

# ابزار صلح برتر

چاپ دوم | ۲۰۱۸

کتاب راهنمایی در دسترس همگان که گام‌های عملی برای شمول زنان صلح‌ساز و دیدگاه‌های جنسیتی در میانجی‌گیری، پیش‌گیری از درگیری و صلح‌سازی ارائه می‌کند.  
کمک به واقعیت‌بخشی به متن و روح دستورکار قطعنامه‌ی ۱۳۲۵ شورای امنیت سازمان ملل

شبکه اقدام جامعه مدنی (ICAN)

## قدردانی

ماپلیم از اشخاص زیر به‌خاطر ارزیابی سازنده این نوشته سپاسگزاری کنیم:

سفیر کاره آس، آقای دانیل دِ تورس، دکتر سیلا ال‌وُرتی، خانم ریچل گسِر، خانم ملیندا هُومز، سناتور مَبینا جعفر، دکتر کاتلین کوناست، آقای یوسف محمود، دکتر جویس نوی، پرفسور جان پِکر، خانم آنتونیا پاتِر پرنتمیس، دکتر گی روزنبلوم کومار، جالین شومیکِر، خانم ماریتا سُرهایم رِنزویک، سفیر دانالد استینبرگ، خانم تویجا تالویتی و آقای کالوم واتسن.

علاوه بر این، از افراد زیر به‌خاطر پشتیبانی، کمک در طراحی و محتوا و مشارکت در مشاوره‌ها تشکر می‌کنیم:

خانم رینا امیری، دکتر ویرجینیا باویر، خانم کیت بوکانان، خانم ماویک کابِررا بالِزا، آقای رابرت دَن، سفیر تُولدِه گِبِرْمِسکِلِ رِدا، خانم دانیل گُلدبرگ، خانم امل گُورانی، آقای استفن جَکسن، خانم لُونِ چِسِن، خانم سایمون میسن، خانم ساکونتالا کادیرگَمَر، خانم کارین رایان، خانم الیزابت شِپِر، خانم دوی سوراگالا، خانم سانِه تیلَمَنز، خانم جینا تُوری، خانم نُهلا والیجی و خانم ترزا ویتفیلد.

همچنین قدردانی خود را از مرکز کارتر و ائتلاف برای اقدام در مورد ۱۳۲۵ (اوگاندا) به‌خاطر اعلام پشتیبانی رسمی از «ابزار صلح برتر» ابراز و از سازمان‌های زیر به‌خاطر تداوم حمایت آنها تشکر می‌کنیم: کُرد اید، نهاد همکاری توسعه نروژ (نُرداد)، وزارت امور خارجه پادشاهی نروژ، اداره امور خارجه فدرال سوئیس و نهاد زنان سازمان ملل.

از خلیل رستم‌خانی به‌خاطر تطبیق کامل ترجمه فارسی با متن انگلیسی و ویرایش آن سپاسگزاریم.

### ابتکار صلح برتر

شبکه بین‌المللی اقدام جامعه مدنی (ICAN) در سال ۲۰۱۴ «ابتکار صلح برتر» را به منظور تدوین راهنمای عملی در مورد شمول زنان صلح‌ساز در صلح‌سازی، فرایندهای میانجی‌گری و تداوم صلح به راه انداخت. این پروژه قصد دارد از طریق پژوهش، برگزاری جلسه‌ها و مشاوره‌های گوناگون فراتر از پرسش درباره اهمیت شمول زنان برود و با تشخیص مانع‌های موجود و راهبردهای موثر برای غلبه بر آنها بپرسد که این کار چگونه انجام می‌شود.

شبکه بین‌المللی اقدام جامعه مدنی از طریق «ابتکار صلح برتر» پویانمایی‌های کوتاه و جزومه‌های راهنمای بحث تدوین می‌کند و درباره موضوع‌های مشخص جنسیتی که به‌طور معمول در فرآیندهای صلح مورد توجه قرار می‌گیرد آموزش ارائه می‌دهد.

برای اطلاعات بیشتر درباره «ابتکار صلح برتر» و منابع مرتبط با آن به وبگاه [icanpeacework.org](http://icanpeacework.org)

مراجعه و [#betterpeace](https://twitter.com/betterpeace) را در رسانه‌های اجتماعی دنبال کنید.

### تیم پروژه

رئیس «ابتکار صلح برتر» صنم نراقی آندرلینی، یکی از بنیانگذاران و رئیس اجرایی شبکه بین‌المللی اقدام جامعه مدنی است. هلنا گرونبرگ مدیر این ابتکار است. مدیریت پروژه در مورد کتاب «ابزار صلح برتر»، پژوهش و دریافت پشتیبانی به عهده استفانی بریتزمن، مادلین کُخ و آندریا اُ سویلی‌آبهاین، است. این نشریه را گروه رسانه‌های DHM طراحی و چاپ کرده است.



## فهرست مطالب

### خلاصه اجرایی

### بخش اول

#### دیپلماسی قرن بیستویکم:

- دیپلماسی رو به تکامل

- تغییر قواعد برای زنان

- مواجهه با این سؤال که « چطور» می‌توان فرایند صلح را فراگیر کرد

### بخش دوم

#### ابزار صلح برتر:

راهنمای فرایندهای فراگیر صلح و مذاکرات

### زیربخش اول

#### موانع رایج و راه‌حل‌های ابتکاری: رویه‌های جدید برای صلح‌سازی فراگیر

- فرایندهای صلح به‌عنوان دگرگونی‌های اجتماعی

- شش مانع رایج و روش غلبه بر آنها

۱. «ما نماینده همه هستیم.»

۲. «میانجی‌گران نمی‌توانند همه چیز را انجام دهند»

۳. «به هر حال این زنان کیستند؟»

۴. «این مسئله به زنان مربوط نمی‌شود.»

۵. «من به‌خاطر اعتبار خودم در اینجا حضور دارم.»

۶. «حذف زنان موضوعی فرهنگی است»

### زیربخش دوم

#### چهار حوزه راهنما برای صلح برتر: گام‌های فعال برای تحقق فراگیری

- درک از شرایط میانجی‌گری

- حمایت سیاسی از فراگیری

- حمایت تکنیکی

- حمایت لجیستیکی و مالی

### نتیجه‌گیری

نظام فکری و رویه‌های در حال تغییر

## باکس‌ها

باکس ۱. ارزش افزوده: جامعه مدنی در مذاکرات صلح

باکس ۲. زنان چه می‌گویند: مشارکت و قطعنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت

باکس ۳. نمونه معیارها برای شناسایی گروه‌های جامعه مدنی که بایستی در میانجی‌گری حضور یابند

باکس ۴. شیوه‌های خوب در گزینش نمایندگان جامعه مدنی

### پیوست‌ها

#### پیوست الف

قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل در مورد زنان، صلح و امنیت

#### پیوست ب

همکاران و سازمان‌های طرف مشاوره

#### پیوست پ

منابع سودمند

## خلاصه اجرایی

تنوع نقش‌آفرینان و پیچیدگی‌های رو به رشد جنگ‌های معاصر به‌کارگیری رهیافته‌های جدیدی را برای پیشگیری از جنگ‌ها و حل‌وفصل آنها ضروری می‌سازد. وارد کردن نقش‌آفرینان مسلح دولتی و غیردولتی در فرایند صلح‌سازی ضروری است، اما اگر هدف برقراری صلح پایدار باشد، این امر کافی نخواهد بود.

حتی در پرخشونت‌ترین شرایط، مجموعه‌ای از غیرنظامیان که در اغلب موارد زن هستند، شجاعت پیدا می‌کنند تا به‌پا خیزند، سخن بگویند و با ارزش‌ها و عقاید راسخ‌شان برای صلح در کشورشان مبارزه کنند. آنها هیچ استراتژی‌ای برای برون‌رفت از جنگ ندارند اما دورنمایی که برای جامعه‌شان دارند ریشه در عدالت اجتماعی و برابری دارد. آنها همچنین منبع مهمی از تجربیات عملی زندگی در منطقه جنگی و دانش مبتنی بر واقعیت‌های روزمره. از تهدیدهای نوظهور امنیتی تا ابزارهای موثر برای پیشگیری از افراطی‌شدن و صلح‌سازی. به شمار می‌روند. یافته‌های تحقیقاتی، سهم این گروه و نقش حساسی را که می‌توانند در صلح‌سازی بازی کنند، تأیید می‌کند.

اما وارد کردن آنها در صلح‌سازی، مستلزم تغییری در نظام فکری کوتاه‌بینانه‌ای است که مذاکرات صلح را به عنوان فرایندهایی صرفاً سیاسی و امنیتی در نظر می‌گیرد و اذعان به این است که مذاکرات صلح باید فرایندهای اجتماعی فراگیر باشد. این دیدگاه باید در عمل هم تغییر کند.

«ابزار صلح برتر» در پاسخ به چگونگی انجام این کار، با ارائه راهنمای عملی برای گنجاندن عملی دیدگاه‌های جنسیتی و زنان صلح‌ساز در صلح‌سازی به روش این کار توجه می‌کند. بخش اول آن به بررسی تاریخ و تحول صلح‌سازی در دوران مدرن می‌پردازد. بخش دوم شامل دو زیربخش می‌شود: زیربخش اول به شش مانع رایج سر راه مشارکت زنان صلح‌ساز اختصاص دارد و در زیربخش دوم چارچوب چهارقسمتی جامعی ارائه می‌شود که با توجه به تغییر جهت‌های مفهومی، سیاسی، تکنیکی و حمایت‌های مالی/لجستیکی مورد نیاز تهیه شده است.



## «زنان صلح‌ساز» که هستند؟

«زنان صلح‌ساز» به افراد و سازمان‌های زیر رهبری زنان گفته می‌شود که متعهد به اصل عدم خشونت و طرفدار گفتگوهای حامی صلح هستند و از حقوق بشر و حقوق زنان حمایت می‌کنند. برخی مروج عدالت هستند، برخی برای جلب توجه به تأثیر منازعه یا ترویج صلح با دیدگاه جنسیتی فعالیت می‌کنند. زنان صلح‌ساز اغلب اولین کسانی هستند که خواهان گفتگوهای صلح‌اند و با این حال همچنان در حاشیه قرار می‌گیرند. (نگاه کنید به باکس ۲. نمونه معیارها برای شناسایی گروه‌های جامعه مدنی که بایستی در میانجی‌گری حضور یابند، صفحه ۱۹)

## بخش اول

### دیپلماسی قرن بیستویکم: از تقسیم قدرت تا تقسیم مسئولیت

#### سنم نراقی آندرلینی

در طول تاریخ، مذاکرات مربوط به جنگ و صلح فرایندی انحصاری و تا حد زیادی در اختیار نخبگان سیاسی و نظامی بوده است. با وجود این، دهه‌های گذشته تغییرات مهمی را در جنگ و صلح‌سازی به همراه آورده است. در حالی که شمار کلی جنگ‌ها، به‌خصوص جنگ بین دولت‌ها، در دهه گذشته کاهش یافته است، درگیری‌هایی که شاهد هستیم پیچیدگی‌های بیشتری پیدا کرده‌اند. پایان جنگ سرد هم باعث افزایش درگیری‌های فراملی و بین دولتی شد<sup>۱</sup>.

در عمل، یک روند «دموکراتیک‌سازی یا متنوع‌سازی خشونت» رخ داده است بدین ترتیب که تعداد نقش‌آفرینان شامل نیروهای امنیتی ملی و بین‌المللی، قدرت‌های منطقه‌ای و نمایندگانشان، گروه‌های مسلح داخلی غیرحکومتی، و گروه‌های مسلح فراملی (که در یک کشور جذب و در کشور دیگری به کار گرفته می‌شوند) افزایش یافته است<sup>۲</sup>. بسیاری از این نقش‌آفرینان چشم‌انداز و دستورکار خود را پیگیری می‌کنند که کمترین و یا هیچ‌گونه ارتباطی به جوامع محلی ندارد و به آنها نیز پاسخگو نیستند. برخی از آنها واحدهای شبه‌تبهکار و از نظر مالی خودکفا هستند که به تجارت مواد مخدر، اسلحه، قاچاق انسان یا سایر منابع پرسود مشغول‌اند. برخی دیگر شبه‌نظامیان محلی، گانگسترها، یا ستیزه‌جویان سیاسی هستند که از خلأهای امنیتی سود می‌برند. آنها هواداران خود را از طریق اخاذی، ارایه خدمات و حمایت گسترش می‌دهند. بسیاری از آنها ایدئولوژی‌های واپس‌گرایانه مشخصی در مورد زنان دارند. آنها مانع دستیابی زنان به آموزش و زندگی اجتماعی می‌شوند، مجازات‌های بسیار سختی برای سرپیچی از این محدودیت‌ها به اجرا می‌گذارند و از طریق اعمال محدودیت‌های قانونی و سوءاستفاده‌های فیزیکی، همانند برده‌داری جنسی، آشکارا زنان را سرکوب و حقوق‌شان را نقض می‌کنند. ارتباط‌های میان گروه‌های شورشی، جنبش‌های افراطی و جنایتکاران سازمان‌یافته بیش از پیش تبدیل به رابطه علت و معلول فراملی می‌شود. بخش خصوصی نیز در این میان نقشی کلیدی بازی می‌کند، به‌خصوص جایی که پای منابع طبیعی در میان باشد.

نخبگان سیاسی و نظامی – اغلب مردان – ۲۵۰۰ سال در مورد جنگ و صلح تصمیم گرفته‌اند اما با تغییر ماهیت جنگ نیازمند تغییر فرایند

صلح‌سازی نیز هستیم.

### دموکراتیک‌سازی و تکامل صلح‌سازی

در واکنش به این تغییرات و اغلب در فقدان ارگان‌های کارآمد دولتی یا با وجود یک دولت چپاول‌گر، نقش‌آفرینان غیرنظامی غیردولتی یا جامعه مدنی فعال در سطح محلی، ملی و بین‌المللی نیز ظاهر شده‌اند و شتاب گرفته‌اند. شهروندان معمولی، از شبکه‌های همکاری منطقه‌ای و جهانی گرفته تا جنبش‌های نوظهور گسترده، در برابر خشونت و ظلم می‌ایستند، هرچند که اغلب با مخاطرات سنگینی هم مواجه می‌شوند<sup>۳</sup>.

در دو دهه گذشته، حوزه حل‌وفصل و دگرگونی منازعه‌ها در سطوح تحقیقی و عملی توسعه یافته است. سازمان‌های دولتی و به‌خصوص غیردولتی تخصص خود را در زمینه‌های صلح‌سازی، میانجی‌گری، و حل‌وفصل منازعه ارتقاء داده‌اند و در سطح دیپلماسی رسمی دولتی و همچنین در سطح دیپلماسی غیردولتی غیررسمی‌تر (اما حساس‌تر) و ابتکارهای اجتماع‌محور فعالیت می‌کنند.

تعداد و تنوع نقش‌آفرینان در زمینه میانجی‌گری و حل‌وفصل منازعه نیز افزایش یافته است. در حالی‌که در طول سال‌های جنگ سرد، ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی اولین حامیان طرف‌های درگیر منازعه و از نفوذ برای پیشبرد صلح برخوردار بودند، امروزه میان دولت‌ها و سازمان‌های منطقه‌ای برای میانجی‌گیری، میزبانی گفتگوهای صلح و به رسمیت شناخته شدن تلاش‌هایشان رقابت وجود دارد. نقش‌آفرینان غیردولتی بیشتری، شامل طیف متنوعی از شرکت‌ها تا سازمان‌های مذهبی، سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی و افراد در زمینه میانجی‌گری و حل‌وفصل منازعه فعال هستند<sup>۴</sup>.

سازمان‌های مستقل غیرخشونت‌بار صلح‌محور نیز در سطح ملی پدیدار شده‌اند. در آمریکای لاتین بعد از دهه‌ها فعالیت گروه‌های رهایی‌بخش مسلح، جنبش‌های اجتماعی غیرمسلح در خط مقدم مطالبه عدالت و حقوق قرار گرفته‌اند. در آفریقا شبکه‌های صلح و سازمان‌های حل‌وفصل منازعه، نقش کلیدی در کاهش و پیشگیری از خشونت ایفا می‌کنند. تحول مفهوم منازعه – توانایی برای رسیدگی به اختلاف بدون توسل به خشونت – به روش‌های مختلفی به اجرا گذاشته شده است. در آفریقای جنوبی و کنیا کمیته‌های صلح را نمایندگان مختلفی از جمعیت محلی هدایت می‌کنند که در زمینه کاهش تنش و خشونت تعلیم دیده‌اند<sup>۵</sup>. در لیبیریا، کلیه‌های پالاولا (Palava Huts) فضایی را ایجاد کرده است که در آن اختلاف‌های محلی از جمله خشونت خانگی مطرح و حل‌وفصل می‌شود<sup>۶</sup>. در سنگال، «اتاق وضعیت زنان» به رهبری سازمان غیردولتی منطقه‌ای همبستگی زنان آفریقا (Femmes Africa Solidarite) کلید کاهش اختلافات

۱ مری کالدور، جنگ‌های جدید و قدیمی: خشونت سازمان‌یافته در دورانی جهانی (مالدن: پولیتی، ۲۰۱۲، چاپ سوم)؛ بانک جهانی، گزارش توسعه جهانی (۲۰۱۱) (واشنگتن دی سی: ۲۰۱۱) ۲ موسسه اقتصاد و صلح، شاخص تروریسم جهانی ۲۰۱۴ (سیدنی: ۲۰۱۴)؛ مارتین گریفیت و ترزا وینفیلد، «میانجی‌گری پس از ۱۰ سال: چالش‌ها و فرصت‌هایی برای صلح‌سازی»، مرکز گفتگوهای بشردوستانه (۲۰۱۰) ۳ نگاه کنید به سارا آلمندلسن، «چرا دولت‌ها به جامعه مدنی حمله می‌کنند و چگونه می‌توان نسبت به آن واکنش نشان داد»، مرکز مطالعات بین‌المللی و راهبردی (آوریل ۲۰۱۵). ۴ نگاه کنید به پیتر والپستین و ایراک اسونسن، «صحت از صلح: میانجی‌گری بین‌المللی در منازعه‌های مسلحانه»، مجله تحقیقات صلح (۲۰۱۴)، دوره ۵۱، شماره ۲. ۵ نگاه کنید به آندریز آندنال، «پیوندی اساسی: کمیته‌های محلی صلح و صلح‌سازی در سطح ملی»، موسسه صلح ایالات متحده (۲۰۱۳). ۶ نگاه کنید به اِزکیل پاچی‌بو، «سازوکارهای عدالت در دوره گذار: مورد لیبیریا»، موسسه دموکراسی و نظام‌های انتخاباتی (استکهلم، موسسه بین‌المللی دموکراسی و کمک انتخاباتی، ۲۰۰۸).

مربوط به انتخابات بود<sup>۷</sup>. حتی در سوریه، در میانه خشونت جاری، سازمان‌های نوظهور فعال در زمینه صلح مشغول میانجی‌گری محلی و حمایت از قربانیان جنگ هستند و ظرفیت‌های خود را تا دادخواهی در سطح بین‌المللی توسعه داده‌اند<sup>۸</sup>.

سازمان‌های جامعه مدنی اگرچه منابع محدودتری دارند و در مقایسه با برداشتهای سنتی از «قدرت سخت»، ضعیف، به نظر می‌رسند، اهمیت ظرفیت‌های «قدرت نرم» را به نمایش می‌گذارند. این سازمان‌ها می‌توانند تا حدودی با استفاده از فناوری‌های جدید و رسانه‌های اجتماعی بدون محدودیت‌هایی که دولت‌ها با آن مواجه هستند به طیف وسیعی از نقش‌آفرینان محلی دسترسی داشته باشند. آنها می‌توانند براطمینان و اعتمادسازی در جوامع محلی تمرکز کنند، تجربیات آنها را در سراسر مناطق مختلف به اشتراک بگذارند، بر گفتمان موجود تاثیر بگذارند و از راهبردهای راه‌حل‌محور حمایت کنند. سازمان‌های جامعه مدنی در مقابله با ظهور گفتمان افراطی، به حفظ و پایداری فضایی برای تکرار و همزیستی کمک می‌کنند.

### دیپلماسی رو به تکامل: واکنش‌های عملی به واقعیت‌های جدید

جامعه دیپلماتیک بین‌المللی نیز در مواجهه با این واقعیت‌ها، رویه‌های خود را تطبیق داده است. یک تحول مهم، افزایش تمایل دولت‌ها و نهادهای چندجانبه به شناسایی و ارتباط مستقیم با نقش‌آفرینان مسلح غیردولتی بوده است. در اوایل دهه نود تعامل با نقش‌آفرینان مسلح غیردولتی (مانند RENAMO در موزامبیک، RUF/SL در سیرالئون یا FMLN در السالوادور) برای سازمان ملل و سازمان‌های منطقه‌ای دولتی بسیار چالش‌برانگیز بود. ترس از این وجود داشت، و هنوز هم دارد، که چنین رویه‌هایی اصول محوری سازمان ملل یعنی اصل عدم مداخله و احترام به حاکمیت دولت‌ها را به چالش بکشد. بحث‌ها و نگرانی‌هایی هم در مورد مشروعیت‌بخشی به این گروه‌ها یا «مذاکره با تروریست‌ها» وجود داشت.

با وجود این، و به‌رغم تحریک‌ها و سیاست‌های سخت‌گیرانه ضدتروریسم در دهه گذشته، عمل‌گرایی پیروز شد. نقش‌آفرینان سطوح بالای تصمیم‌گیری تشخیص می‌دهند که برای پایان دادن به خشونت در یک منازعه جاری داخلی، اغلب گزینه‌های زیادی جز برقراری ارتباط با نقش‌آفرینان مسلح دولتی یا غیردولتی از جمله آنهایی که در فهرست تروریست‌های بین‌المللی قرار دارند، وجود ندارد. در برخی موارد، فروپاشی و پایان حمایت شوروی از جنبش‌های مسلح چپ به این اقدام دامن زد. به طور مثال، در دهه ۱۹۹۰ چنین گروه‌هایی در آمریکای لاتین و آفریقا وارد مذاکرات شدند. هنجارهای جهان‌شمول حقوق بشر هم با ارائه چارچوبی که می‌توانست به خواست‌ها و نارضاایتی‌های بسیاری از گروه‌های غیردولتی مشروعیت ببخشد، به‌خصوص گروه‌هایی که برای حق تعیین سرنوشت در تلاش بودند، نقش مهمی در این میان ایفا کرد.

جامعه بین‌المللی، علاوه بر ارتباط با گروه‌های مسلح غیردولتی، ارایه حمایت‌های بنیادین برای کمک به «ایجاد برابری در زمینه» مذاکرات را آغاز کرد. این روزها سازمان ملل و بسیاری از دولت‌هایی که در راه میانجی‌گرانه می‌کوشند، کمک‌های فنی، ضمانت‌های امنیتی، حمایت لجستیکی و حتی مالی ارائه می‌دهند تا نقش‌آفرینان مسلح غیردولتی قادر و تشویق به شرکت در گفتگوهای صلح شوند. دو طرف منافع متقابل دارند. حتی گروه‌های غیردولتی که شاید ذاتاً به سازمان ملل به عنوان سازمانی دولت‌محور بی‌اعتماد باشند، به دنبال برقراری ارتباط با فرستادگان سازمان ملل هستند. این که دولت‌های عضو سازمان ملل به فرستاده‌های آن اجازه می‌دهند تا با گروه‌های مسلح و مخالف غیردولتی وارد گفتگو شوند، با وجود این‌که اکنون این موضوع بدهی به نظر می‌رسد، موضوعی بسیار حساس و تحولی تازه است.

همکاری فزاینده میان دولت‌ها و سازمان‌های چندجانبه از یک طرف و سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی میانجی و صلح‌ساز از طرف دیگر، نمونه دیگری از پیشرفت‌های اخیر است. مرکز کارتر یکی از اولین سازمان‌ها در این عرصه بود. سازمان ملل و برخی دولت‌ها از جمله نروژ، فنلاند و سوئیس هم به طور مرتب با سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی همانند مرکز گفتگوی بشردوستانه، صلح سوئیس و ابتکار مدیریت بحران همکاری کرده‌اند. بسیاری از سازمان‌های پیشرو مانند مرکز آفریقایی حل‌وفصل سازنده اختلافات، شبکه غرب آفریقا برای صلح‌سازی در آفریقا و سرپاز (SERAPAZ) در آمریکای لاتین هم تسهیل‌کننده دسترسی به گروه‌های غیردولتی شده‌اند و تلاش‌های محلی صلح‌سازی را هدایت می‌کنند.

برای جامعه بین‌المللی، و از جمله فرستاده‌های سازمان ملل، دیگر امری بدهی است که برای اجتناب از تکرار خطاهای گذشته، میانجی‌گران و طرف‌های مذاکره‌کننده در یک فرایند صلح‌سازی نیاز به تخصص موضوعی و یا ویژه همان شرایط دارند. وقتی توافق‌ها حاصل شود اما اجرای آنها به دلیل واقعیت‌های لجستیکی (مانند زمان‌بندی‌های غیرواقعی‌گرایانه برای خلع سلاح یا برگزاری انتخابات) غیرممکن باشد، اجرای توافق‌ها با بن‌بست و یا با شکست مواجه می‌شود.

«زنانی که در سوریه سلاح به دست نگرفته‌اند، هنوز قدرت و نمادی برای صلح به شمار می‌روند. اگر این زنان و دیگر چهره‌های جامعه مدنی در فرایند صلح درگیر نشوند، من صلحی در کشورم نمی‌بینم.»

دکتر ریم ترکمانی، فیزیکدان نجومی و یکی از بنیانگذاران موسسه ساخت دولت سوریه

برای برطرف کردن این ضعف دفتر امور سیاسی سازمان ملل (DPA) در سال ۲۰۰۸ یک واحد حمایت از میانجی‌گری (MSU) تاسیس کرد تا به ظرفیت‌های خود سازمان ملل برای ورود در فرایند میانجی‌گری عمق و وسعت ببخشد. این واحد، تیم آماده‌باشی متشکل از مشاوران ارشد میانجی‌گری تشکیل داد تا کارشناسان خارج از سازمان ملل را در ارتباط با موضوع‌هایی که در کانون گفتگوهای صلح قرار دارند، آماده به خدمت داشته باشد؛ موضوع‌هایی نظیر شراکت در قدرت، قانون‌های اساسی، امنیت و منابع. تیم مذکور تا سال ۲۰۱۱ تاحدی گسترش یافت که طراحی فرایندهای میانجی‌گری و کارشناسان جنسیت و فراگیری را هم دربرگرفت<sup>۹</sup>.

### تکامل هنجاری: واقعیت‌های موجود لزوم حضور زنان در مذاکرات صلح را می‌طلبند

دو دهه گذشته همچنین شاهد پیشرفت‌های مهمی در زمینه هنجارهای بین‌المللی و حقوق مرتبط با صلح و امنیت بوده است. تصویب قطعنامه ۱۳۲۵ در مورد زنان، صلح و امنیت (و هفت قطعنامه متعاقب آن که دستورکار را شکل می‌دهند. نگاه کنید به پیوست ۱) در شورای امنیت سازمان ملل جزو پیشگامانه‌ترین پیشرفت‌ها بود. این دستورکار که از اساس از واقعیت تجربه زندگی زنان در جنگ و تلاش‌شان برای صلح ناشی شده است، نقش و سهم زنان را در صلح‌سازی و امنیت، حق آنها برای ورود در مذاکرات مربوط به جنگ و صلح، و اهمیت توجه به نیازهای متفاوت زنان و مردان (یعنی حساسیت به جنسیت) در تلاش‌های مربوط به امداد، بازیابی، و تلاش‌های بعد از منازعه را تشخیص می‌دهد.

«اگر جنگ پیشه مردان است، بگذارید صلح پیشه زنان باشد.»

امل باشا، رئیس مجمع خواهران عرب برای حقوق بشر و عضو کنفرانس گفتگوی ملی یمن (یمن)

مشارکت گروه‌های جامعه مدنی و صلح‌محور به رهبری زنان، عامل اصلی برانگیزنده مدافعان تصویب قطعنامه بود. این امر در پیام محوری قطعنامه به صراحت مطرح شد: «زنان صلح می‌سازند» و سهم حساسی در پیشگیری و حل‌وفصل منازعه دارند. اما در سال ۲۰۰۰، شورای امنیت سازمان ملل در مقابل اصطلاح «جامعه مدنی» مقاومت می‌کرد. در قطعنامه‌های اولیه به «حل‌وفصل محلی و بومی منازعه» و «زنان» به صورت کلی اشاره شده است. تکامل دیدگاه‌ها و سیاست‌ها در ماهیت متغیر زبان در قطعنامه‌های بعدی مشهود است. در سال ۲۰۰۸ هنگامی که قطعنامه ۱۸۲۰ تصویب شد، حتی پرسروصداترین مخالفان دستورکار شورای امنیت با ارجاع به «جامعه مدنی» مخالفت نکردند. در متن‌های بعدی به‌خصوص قطعنامه‌های ۱۸۸۹ و ۲۱۲۲. نام بردن از زنان در جامعه مدنی به زبان معیار تبدیل شد.

اگرچه اغلب تصور می‌شود که این دستورکار فقط مربوط به زنان یا حقوق زنان است، قدرت آن در این واقعیت نهفته است که رسماً نقش‌آفرینان بین‌المللی و سازمان ملل را فرا می‌خواند و ملزم به ارتباط‌گیری با نقش‌آفرینان و تلاش‌های غیردولتی حل منازعه می‌کند. این دستورکار با پرهیز از باز کردن راه مداخله نظامی، این تصور را که صلح‌سازی صرفاً در حیطه اختیار دولت است، به چالش می‌کشد. درعوض، فرصتی را ایجاد می‌کند تا جامعه بین‌المللی به‌طور مشروع با نقش‌آفرینان ملی غیردولتی که به دنبال ایجاد تغییر بدون استفاده از سلاح هستند، ارتباط برقرار کند. این کار امکان را فراهم می‌کند تا انجام مذاکرات صلح بیشتر از اینکه فرایند سیاسی و امنیتی‌محور باشد، فرایندی اجتماعی باشد.

زنان صلح‌ساز تمایل دارند چهره انسانی جنگ را به تصویر بکشند. آنها برداشت‌های غالباً محدود از مفهوم صلح را در روند مذاکرات به چالش می‌کشند و خواستار توجه بیشتر به جنبه‌های امداد، بازیابی و عدالت اجتماعی هستند. در عمل، حضور زنان صلح‌ساز می‌تواند مذاکرات را از برداشت‌های محدودی مثل توقف خصومت‌ها و تقسیم قدرت به سمت شراکت در مسئولیت نسبت به قربانیان و جوامع محلی متاثر از جنگ برای ساختن آینده‌ای فراگیر و دموکراتیک سوق دهد.

«فراگیری در میزهای گفتگو تمرینی برای اجرای فراگیری در شرایط بعد از منازعه است. این الگو باید آگاهی‌بخش و شکل‌دهنده

فرایندهای فراگیر بعد از اتمام مذاکرات باشد.»

ویرجینیا باویر، مشاور ارشد موسسه صلح ایالات متحد آمریکا (USIP)

دستورکار قطعنامه ۱۳۲۵ همچنان تاثیر ترغیب‌کنندگی دارد. سازمان‌های منطقه‌ای از جمله اتحادیه اروپا، اتحادیه آفریقا و سازمان کشورهای آمریکایی (Organization of American States) قطعنامه‌های مشابهی تصویب کرده‌اند. هم‌اکنون بیشتر از ۵۰ کشور برنامه‌های اقدام ملی دارند که وارد کردن زنان را در صلح‌سازی و روندهای مرتبط با امنیت الزامی می‌کند. در بسیاری از صحنه‌های درگیری، زنان صلح‌ساز برای اجرای این برنامه‌ها فعالیت کرده‌اند و دستورکار قطعنامه ۱۳۲۵ را تحت کنترل خود در آورده‌اند تا تقویت‌کننده مطالباتشان برای ورود زنان به فرایندهای سیاسی و صلح باشد.

۷ نگاه کنید به «اتاق وضعیت زنان» نهاد زنان سازمان ملل در غرب و مرکز آفریقا، <http://www.unwomenwestandcentralafrica.com/womens-situation-room.html>  
۸ نگاه کنید به کریگ چارنی، «شاید بتوانیم به راه حلی دست یابیم: دیدگاه‌های سوری درباره منازعه و ابتکارهای محلی صلح، عدالت و مصالحه»، مرکز عدالت و پاسخگویی سوریه، <http://syrianperspectives2015.pressbooks.com/> (۲۰۱۵)

۹ در مورد لیست اعضای تیم آماده‌باش در سال ۲۰۱۵ و شرح حال مختصر آنها نگاه کنید به: <http://peacemaker.un.org/mediation-support/stand-by-team>، برای ارزیابی درباره تیم آماده باش تا به امروز، نگاه کنید به آنتیه هربرگ به همراه جان پیکر و میگل وایلا، «تکامل تیم آماده‌باش کارشناسان میانجی‌گری سازمان ملل در شرایط واقعی»، <http://www.peacemaker.un.org/mediation-support/stand-by-team>، Peace My Way and mediatEur، (۲۰۱۵)

البته این قطعنامه هنوز به صورت ناقص اجرا می‌شود که تا حدودی به دلیل فقدان منابع و اراده سیاسی است. اما برنامه‌ها و سایر تلاش‌ها برای بومی‌سازی دستورکار سکویی برای ریشه دوانیدن هنجارهای جهان‌شمول در سطح ملی است. این دست‌ورکار راه بحث درباره «مردان، صلح و امنیت» و «جوانان، صلح و امنیت» را در سطح جهانی باز کرده است.

<p>«هر گروهی که به کنار رانده شده یا از صحنه فاصله گرفته است، در حقیقت قابلیت، اشتیاق و اعتقاد زیادی به دستیابی به تغییر دارد.»</p>
<p>اشراق تابیت، وکیل دادگستری و فعال حقوق زنان (یمن)</p>

حمایت از میانجی‌گری صلح‌آمیز اختلافها از حمایت قابل ملاحظه دولت‌های عضو سازمان ملل در تنظیم قطعنامه ۶۵/۲۸۳ (۲۰۱۱) مجمع عمومی سازمان ملل برخوردار شد. دولت‌های ترکیه و فنلاند پشتیبان این قطعنامه بودند. این قطعنامه همچنین خواهان فراگیری بیشتر زنان و به طور مشخص مشارکت آنها بود. در کنار قطعنامه و سایر پیشرفت‌های هنجاری و اجرایی، سازمان ملل اولین «راهنمای خود برای میانجی‌گری موثر» را در سال ۲۰۱۲ منتشر کرد. این راهنما بر اساس مشاورههایی با میانجی‌گران و فعالان در سطح جهان درس‌هایی اساسی را جمع‌آوری کرده است و بر هشت «اصل میانجی‌گری برای یک فرایند موثر» تاکید می‌کند<sup>۱</sup>:

۱. آماده بودن تیم میانجی‌گری؛

۲. جانبداری نکردن از طرفین درگیر، البته الزاماً نه بی‌طرف بودن، به‌خصوص هنگامی که پای هنجارهای جهان‌شمول حقوق بشر در میان باشد؛

۳. انسجام و هماهنگی میان نقش‌آفرینان درگیر در تلاش‌های میانجی‌گری؛

۴. رضایت و تمایل طرفین برای مذاکره مبتنی بر حسن‌نیت؛

۵. مالکیت ملی بر فرایند، نتایج و اجرای توافق‌ها؛

۶. سازگاری با حقوق بین‌المللی و چارچوب‌های هنجاری؛

۷. فراگیری طیف وسیعی از طرفین منازعه و سایر ذینفع‌ها؛

۸. توافقاتی کیفی صلح که هم منازعه را حل می‌کنند و هم پیشگیری از بروز دوباره آن را هدف دارند.

<p><b>باکس ۱. ارزش افزوده:</b></p> <p>زنان صلح ساز و جامعه مدنی در مذاکرات صلح</p>
<p>تحقیقات نشان می‌دهند که نقش‌آفرینان جامعه مدنی در تلاش‌های صلح و میانجی‌گری کمک کرده‌اند تا:</p>
<p>✓ <b>توافقاتی صلح دوام بیشتری داشته باشند.</b> تحلیل ۸۳ توافق صلح در فاصله سال‌های ۱۹۸۹ و ۲۰۰۴ نشان می‌دهد که مشارکت جامعه مدنی امکان پشت کردن طرفین به توافق‌ها را تا ۶۴٪ کاهش داده است (و در نتیجه تداوم فرایندهای صلح را افزایش داده است)<sup>۱۱</sup>.</p>
<p>✓ <b>به عنوان دیده‌بان عمومی عمل کنند.</b> جامعه مدنی می‌تواند طرفین را پاسخگو نگه دارد و بر آنها فشار بیاورد تا به جای اینکه از تاکتیک‌های تاخیر یا توسل به خشونت به عنوان راهبرد مذاکرات استفاده کنند، از طریق پیامدهی و بسیج عمومی به توافق برسند.</p>
<p>✓ <b>بر فرایند و توافقات نظارت و افکار عمومی را قانع کنند.</b> جامعه مدنی بر کل فرایند و اجرای توافق، مستند کردن و دادن اطلاعات به نقش‌آفرینان بین‌المللی و مهم‌تر از همه عموم مردم نظارت می‌کند. جامعه مدنی با نمایندگی طیف گسترده‌ای از غیرنظامیان متاثر از جنگ، نقش حساسی در تاثیر گذاشتن بر افکار عمومی به نفع یا علیه فرایند صلح‌سازی و نتایج آن دارد.</p>

✓ **موضوع‌های حساس برای مردم بیشتری مطرح شود.** طرف‌های مخاصمه اغلب به نیازهای فوری خود و دستیابی به قدرت توجه دارند. جامعه مدنی می‌تواند محتوای گفتگوها را تغییر دهد تا دلایل زیربنایی منازعه مورد توجه قرار گیرند و منافع عمومی، اولویت‌ها و نگرانی‌ها را بهتر بازتاب دهند. این امر تقویت‌کننده مالکیت ملی بر فرایند و پذیرش توافق است چون همگان احساس می‌کنند که در اجرا و حفظ توافقاتی امضاشده سرمایه‌گذاری بیشتری می‌کنند.

✓ **فرصت‌هایی برای حل مسائل و خلق رهیافت‌های جدید فراهم شود.** وقتی نقش‌آفرینان جامعه مدنی در گفتگوها درگیر شوند، اغلب با ایجاد فرایند گفتگوهای غیررسمی یا موازی، فرصت‌هایی برای محک زدن ایده‌های جدید و انجام تحلیل‌های مشترک فراهم می‌کنند یا به تغییر فرهنگ سیاسی هر دو طرف کمک می‌کنند.

✓ **انسجام اجتماعی تقویت و خشونت رد شود.** فراگیری گسترده غیرنظامیان متاثر از جنگ با تسهیل جامعه مدنی به تولید انسجام اجتماعی به عنوان بخش مهمی از صلح پایدار کمک می‌کند. همچنین اگر گروه‌هایی احساس حذف‌شدگی از فرایند مذاکرات یا توافق ناشی از آن را دارند، این کار باعث کاهش حمایت عمومی از واکنش‌های خشونت‌آمیز می‌شود.

✓ **اطلاعات و منابع حساس فنی را فراهم کنند.** نقش‌آفرینان جامعه مدنی اغلب در زمینه‌های حساسی تخصص دارند (مانند نیازهای قربانیان، اشتراک در منابع، حقوق مدنی و حقوق بشر) و یا دانش بومی‌شده‌ای دارند که برای فرایندهای صلح اهمیت دارد.

✓ **در بهبود محتوایی راه‌حل‌ها و نتایج سهم مهمی ادا شود.** نقش‌آفرینان جامعه مدنی همچنین دانشی از فرایندهای صلح‌سازی رسمی و غیررسمی گذشته دارند. اگرچه نقش‌آفرینان سیاسی شاید فاقد این دانش باشند، مهم است که پویایی‌ها و محتوای اصلی هر دور از مذاکرات از این آگاهی برخوردار شوند<sup>۱۲</sup>.

#### طیف فراگیری؛ برداشتها و تعریف‌ها

برقراری ارتباط میان فراگیری و ثمربخشی فرایندهای میانجی‌گری شاید نوین‌ترین مفهومی باشد که در راهنمای سازمان ملل مورد تاکید قرار گرفته است. در حالی که شواهد کیفی و کمی نشان می‌دهند که فرایندهای فراگیر، به‌خصوص مواردی با مشارکت جامعه مدنی، نتایج بهتری تولید می‌کنند و بر شانس موفقیت می‌افزایند، هنوز هم مفهوم و الزام‌های عملی فراگیری در میان متخصصان میانجی‌گری و تکنوکرات‌های بین‌المللی با بحث، بدبینی و واهمه همراه است.

برخی استدلال می‌کنند که ورود طیف وسیعی از نقش‌آفرینان، فرایند گفتگوها را بسیار پردردسر و پیچیده می‌کند. اما سوابق و تحقیقات نشان می‌دهند که این استدلال اشتباه است. به عنوان مثال هفده گروه و طرف مسلح در فرایند صلح برون‌دی<sup>۱۳</sup> شرکت کردند. هشت حزب سیاسی در صلح نیپال شرکت کردند<sup>۱۴</sup>. همین‌طور تعدادی از رهبران مذهبی و محلی در فرایند صلح سومالی حضور داشتند<sup>۱۵</sup>.

با این حال درخواست «فراگیری» منبع تنش و سردرگمی هم بوده است. این اصطلاح را بنا به تعریف آن می‌توان برای همه نقش‌آفرینان به کار برد و آنها می‌توانند از این تعریف استفاده خودشان را بکنند. یک سر طیف فراگیری گروه‌های مسلح را هم دربرمی‌گیرد که ممکن است خود در صحنه منازعه فعال باشند از جمله آنهایی که سازمان ملل یا دولت‌ها به عنوان «تروریست» اعلام کرده‌اند. میانجی‌گران باتجربه اغلب استدلال می‌کنند که آنها برای گفتوگوی موثر باید بدون محدودیت‌های ناشی از سیاست‌های بین‌المللی راهی برای تماس و ارتباط باتمام نقش‌آفرینان داشته باشند. برای مثال ارتش مقاومت پروردگار (LRA) در اوگاندا بسیار منفور بود اما در نهایت هم دولت اوگاندا و هم جامعه بین‌المللی اذعان کردند که تماس و میانجی‌گری با آنها ضروری است<sup>۱۶</sup>. همچنین تلاش برای مشارکت طالبان در گفتوگوهای صلح افغانستان همچنان در جریان است<sup>۱۷</sup>.

«وقتی میانجی‌گران اراده کنند تا با زنان و جامعه مدنی ارتباط برقرار و آنها را دخالت دهند، راه این کار را پیدا می‌کنند.»

صنم نراقی آندرلینی– رئیس اجرایی ICAN

در سر دیگر طیف، مفهوم فراگیری نهادهای غیردولتی غیرمسلح جامعه مدنی را دربر می‌گیرد که در مناطق منازعه فعال هستند اما اساساً در حاشیه قرار گرفته‌اند. آنها طیفی از اقلیت‌ها تا زنان و جوانان و سایر بخش‌های جامعه را در برمی‌گیرند. دو دهه گذشته نشان داده است که

<sup>[1]</sup> برای اطلاعات بیشتر در مورد تاثیر مثبت مشارکت زنان و جامعه مدنی، نگاه کنید به: تانیا پافنهولز (ویراستار)، «جامعه مدنی و صلح‌سازی: ارزیابی انتقادی» (بلدر: لین رینر، ۲۰۱۰)؛ آلکساندر ژمبازتم و آکیم ونمان (ویراستاران)، «مشروعیت و فرایندهای صلح: از اجبار تا رضایت»، منابع مصالحه، (۲۰۱۴)، توافق ۲۵؛ نهاد زنان سازمان ملل، «مشارکت زنان در مذاکرات صلح: ارتباط‌های بین حضور و نفوذ»، ۲۰۱۲؛ صنم نراقی آندرلینی، «زنانی که صلح می‌سازند: چکار می‌کنند، چرا مهم است» (بلدر: نشر لین رینر، ۲۰۰۷)؛ هشدار بین‌المللی و ابتکار امنیت فراگیر، «امنیت فراگیر، صلح پایدار» (واشنگتن دی سی: ۲۰۰۴).

<sup>[2]</sup> ۱۳ نگاه کنید به هنری بیشف، والدمار وری و جرج رانتباخ، «فرایند صلح برون‌دی: از جنگ داخلی تا صلح مشروط»، موسسه مطالعات امنیتی، (ژوئن ۲۰۱۲).

<sup>[3]</sup> ۱۴ نگاه کنید به انریکو دامبروکیو، «احزاب سیاسی نیپال و راه دشوار به سوی قانون اساسی»، اداره پژوهش پارلمانی اروپا (نوامبر ۲۰۱۴).

<sup>[4]</sup> ۱۵ ابراهیم علی امیر آکو، «فرایندهای صلح محلی در جنوب مرکز سومالی»، منابع مصالحه (۲۰۱۰)، توافق ۲۱.

<sup>[5]</sup> ۱۶ نگاه کنید به جوانا ر. کوئین، «رسیدن به صلح: مذاکره با ارتش مقاومت پروردگار LRA در اوگانداى شمالی»، بررسی حقوق بشر مارس ۲۰۰۹ دوره ۱۰: شماره ۱، صفحه‌های ۵۵-۷۱.

<sup>[6]</sup> ۱۷ نگاه کنید به شون کین، «گفت‌وگو با طالبان: آیا قانون اساسی افغانستان باید مورد مذاکره قرار گیرد؟»، موسسه صلح ایالات متحده (ژانویه ۲۰۱۵).

<sup>[7]</sup> ۱۰ نگاه کنید به سازمان ملل در مورد میانجی‌گری موثر(۲۰۱۲)، peacemaker.un.org

<sup>[8]</sup> ۱۱ دزیره نیلسن، «پایه گذاری صلح: نقش آفرینان جامعه مدنی در توافقاتی صلح و صلح پایدار»، تعامل‌های بین‌المللی، ۲۰۱۲: دوره ۲۸، شماره ۲، صفحه‌های ۲۶۶–۲۴۳.

<sup>[9]</sup> Desirée Nilsson, "Anchoring the Peace: Civil Society Actors in Peace Accords and Durable Peace," International Interactions vol. ۳۸, no. ۲, pp. ۲۴۳–۲۶۶.

زنان اغلب نقش‌آفرینان اصلی و ذینفعان این حوزه هستند. ممکن است برخی از آنها از طریق سازمان‌هایی که از قبل تاسیس کرده‌اند فعالیت کنند، برخی دیگر در جنبش‌های مردمی ظاهر می‌شوند و یا از اولین کسانی هستند که به بحران‌های بشردوستانه واکنش نشان می‌دهند، و برای صلح‌سازی و مصالحه جوامع فعال هستند.

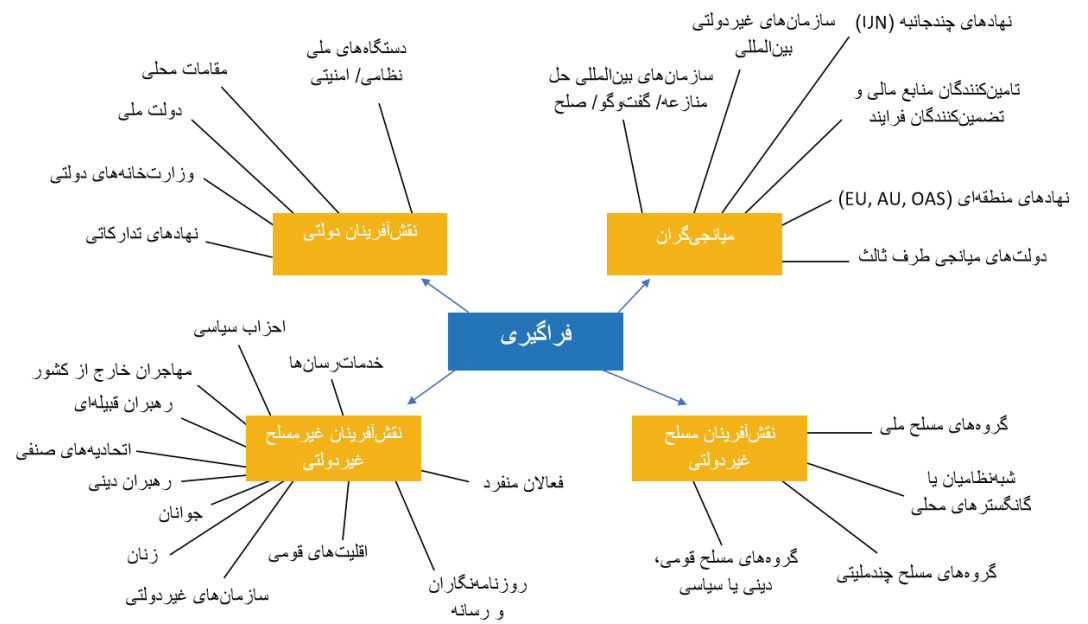
«ماندلا در شورای امنیت به ما گزارش داد و گفت که مردان تمایلی برای دخالت دادن زنان نداشتند. او بعد از ظهرها می‌نشست و به زنان گوش می‌داد و صبح‌ها نکات آنها [زنان] را پیشنهاد می‌داد انگار این نکات ایده‌های خودش باشند و مردان ایده‌هایش را دوست داشتند. سرانجام او [به مردان] گفت اینجا نقطه‌نظرات زنان است نه او... این‌چنین بود که او زنان را در دو مرحله نهایی وارد فرایند کرد.»

بین گروه‌های مسلح و جامعه مدنی غیرمسلح طیف متنوعی از نقش‌آفرینان و نهادهای مختلف وجود دارد: از نهادهای دولتی تا احزاب سیاسی و عاملان آنها، رهبران سنتی، جامعه اقتصادی، مهاجران خارج از کشور (دیاسپورا) و سازمان‌های حرفه‌ای و تجاری.

نمودار صفحه ۱۲ نقشه‌ای تقریبی از نقش‌آفرینان درگیر در گفت‌وگوها را همراه با جزئیات مربوط به میانجی‌گران بالقوه، مذاکره‌کننده‌گان و سایر گروه‌ها نشان می‌دهد.

در طول ۲۰ سال گذشته پیشرفت‌هایی در زمینه شرکت دادن نقش‌آفرینان غیرمسلح غیردولتی صورت گرفته است. در دهه ۱۹۹۰، در گوآتمالا، کلیسا تشکیل مجمع جامعه مدنی را به دست گرفت و گروه‌های بومی، سازمان‌های زنان، نمایندگان اتحادیه‌های صنفی و دیگران را گرد هم آورد تا به گفت‌وگوهای صلح مورد پشتیبانی سازمان ملل آگاهی برسانند و خود نیز در این گفت‌وگوها تأثیرگذار باشند<sup>۱۸</sup>. همین اواخر سازمان ملل و دیگران تلاش‌های متمرکزی را برای وارد کردن رهبران قومی و مذهبی در گفت‌وگوهای صلح (مانند سومالی و عراق) انجام داده‌اند.

### آنوارول چودوری، معاون پیشین دبیرکل سازمان ملل



زنان در گفت‌وگوهای صلح بر محتوا و کیفیت گفت‌وگوها تأثیر می‌گذارد و شانس دستیابی به توافقات پایدارتر را بالا می‌برد<sup>۲۱</sup>.

### تغییر قواعد برای زنان

تناقضی است که به‌رغم فعال بودن زنان در هر منازعه‌ای، مدارک و شواهد عینی از سهم زنان و چارچوب‌های هنجاری قوی نشان می‌دهند که زنان، به‌خصوص زنان صلح‌ساز، تا حدود زیادی از فرایندهای صلح کنار گذاشته می‌شوند. زنان بخشی هستند که جامعه بین‌المللی بیشترین صحبت‌ها را درباره‌شان کرده اما کمترین اقدام‌ها را برایشان انجام داده است.

صحبت از شمول زنان در فرایندهای صلح باعث می‌شود سیاست‌گذاران بین‌المللی بی‌درنگ سوال‌هایی را مطرح کنند که به ندرت در مورد سایر مشارکت‌کنندگان بالقوه و بالفعل مطرح می‌شود. زنان یا به نخبه‌گرا بودن متهم می‌شوند و یا به عوام‌گرا بودن. ویژگی‌ها و اعتباری که در جوامع‌شان دارند مورد تردید قرار می‌گیرد و در مورد «ارزش افزوده» یا شواهد سهم کمکی آنها بدبینی وجود دارد. در برخی موارد، نقش‌آفرینان بین‌المللی تقاضاهای غیرمعمولی از زنان صلح‌ساز دارند. برای مثال در طول دور دوم گفت‌وگوهای صلح سوریه در ژنو در سال ۲۰۱۴، یکی از فرستادگان ارشد پرسید که آیا زنان سوری (به عنوان ابزاری برای اثبات اعتبارشان) می‌توانند گروه‌های افراطی خشونت‌طلب را متوقف کنند. این کار بزرگی است که هیچ دولتی تاکنون موفق به حل آن نشده است<sup>۲۲</sup>.

«زنان را به عنوان یک گروه تقریباً هرگز بدون فشار زیاد بر میانجی‌گران و مذاکره‌کننده‌گان در مذاکرات دخالت نمی‌دهند، در مقایسه، سایر هیئت‌های جامعه مدنی مانند گروه‌های مذهبی اغلب به عمد در مذاکرات راه می‌یابند. وقتی زنان به عنوان هیئتی سازماندهی‌شده وارد مذاکرات شوند و فرصت تأثیرگذاری بر فرایند مذاکرات را داشته باشند، نکات مهمی را در دستورکار وارد می‌کنند که نه محدود به جنسیت است و نه به موضوع‌های مربوط به زنان. به علاوه هرگز ثابت نشده که حضور زنان تأثیر منفی بر مذاکرات دارد.»

تانیا پافنهولز از پروژه گسترش مشارکت در موسسه مطالعات عالی ژنو

همچنین این درک نادرست همیشگی وجود دارد که خواست وارد کردن زنان در گفت‌وگوها را سازمان‌های غیردولتی غربی حمایت می‌کنند و چارچوب‌های هنجاری به جای اینکه مبتنی بر واقعیت‌ها باشد ریشه در ایده‌آل‌ها دارد. این بدفهمی با فرضیه‌های اغلب اشتباه در مورد نقش و قدرت زنان در زمینه‌های فرهنگی خاص همراه است. برای مثال وقتی موضوع مشارکت زنان سومالی در فرایندهای گذار در سال ۲۰۱۱ مطرح شد، بسیاری از اعضای جامعه دیپلماتیک ادعا کردند که

سومالی دارای فرهنگی محافظه‌کار است که زنان در آن قدرت و نفوذی ندارند. با این حال زنان سومالی با الشباب برای رهایی گروگان‌ها، بازگشایی فرودگاه و ارائه کمک‌های پزشکی و بشردوستانه مذاکره می‌کردند<sup>۲۳</sup>. در واقع موقعیت آنها در درون جوامع و طایفه‌هایشان به آنها در مذاکره با جنگ‌سالاران، ایجاد و اداره اردوگاه‌هایی برای خلع سلاح عمومی شبه‌نظامیان و فشار بر رهبران محلی برای مداخله کمک کرد<sup>۲۴</sup>. همین‌طور در افغانستان زنان به طور مستمر با طالبان مذاکره می‌کنند یا در فرایندهای سیاسی محلی مداخله دارند. با این حال نقش‌آفرینان بین‌المللی هنوز ادعا می‌کنند که طالبان با زنان گفت‌وگو نخواهند کرد.

«ما نمی‌توانیم بگوییم که هیچ زن توانایی وجود ندارد. تعداد زنان توانا بسیار است و ما نمی‌توانیم نیم بیشتر جمعیت را از تصمیم‌سازی محروم کنیم.»

بتی اُگاورو عضو (سودان جنوبی در) تیم میانجی‌گری بین ارتش آزادی‌بخش پروردگار (LRA) و دولت اوگاندا

**باکس ۲. زنان چه می‌گویند:**

مشارکت و قطعنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت

گزیده‌ای از یافته‌های اصلی<sup>۲۵</sup>

۱. بسیاری از دولت‌ها، کارکنان سازمان ملل و نمایندگان دولت‌های عضو هنوز از **قطعنامه شورای امنیت بی‌اطلاع هستند یا درک درستی از آن ندارند.**

۲۱ ماری آ رایلی، آندریا آ سویلی‌آهاین و تانیا پافنهولز، «تصور دوباره صلح‌سازی: نقش زنان در فرایندهای صلح»، موسسه بین‌المللی صلح، ۲۰۱۵؛ همچنین نگاه کنید به تانیا پافنهولز، «نتایج درباره زنان و جنسیت از پروژه‌های مشارکت گسترده‌تر، و جامعه مدنی و صلح‌سازی»، ژنو: مرکز منازعه و صلح‌سازی موسسه عالی مطالعات بین‌المللی و توسعه (آوریل ۲۰۱۵).

۲۲ نویسنده در بحث‌های بین زنان فعال صلح و یکی از فرستاده‌های ارشد دولتی در ژانویه ۲۰۱۴ در ژنو، سوئیس حضور داشت.

۲۳ در بحث‌های رهبران زن سومالیایی با این نویسنده در نشست به میزبانی سازمان ملل مطرح شد (نایروبی: ۲۰۱۱).

۲۴ نگاه کنید به فایزه جما، «زنان سومالیایی و صلح‌سازی»، منابع مصالحه (۲۰۱۰)، توافق ۲۱؛ هدی ابراهیم، «زنان سومالیایی در راه صلح سازماندهی می‌کنند»، سومالی کارت (۲ ژانویه ۲۰۱۵).

۲۵ صنم آندرلینی و جان تیرمن، «زنان چه می‌گویند: مشارکت و قطعنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت سازمان ملل، ارزیابی مطالعه موردی» مرکز مطالعات بین‌المللی موسسه تکنولوژی ماساچوست ام آی تی / شبکه بین‌المللی اقدام جامعه مدنی، اکتبر ۲۰۱۰.

۱۸ نگاه کنید به «از جنگ داخلی تا جامعه مدنی: گذار از بحث صلح در گوآتمالا و لیبیا»، بانک جهانی و مرکز کارتر (ژوئن ۱۹۹۷).

۱۹ نگاه کنید به آماندا رات، «نقش مهاجران خارج از کشور در منازعه»، مجله امور بین‌المللی (بهار - تابستان ۲۰۱۵)؛ لیزا لاکسو و پتری هاتانیمی، مهاجران خارج از کشور، توسعه و صلح‌سازی در شاخ آفریقا (لندن: نشر زد بوکر، ۲۰۱۴).

۲۰ دزیره نیلسن، «پایه گذاری صلح: نقش آفرینان جامعه مدنی در توافقات صلح و صلح پایدار»، تعامل‌های بین‌المللی: پژوهش تجربی و نظری درباره روابط بین‌المللی (۲۰۱۲): دوره ۲۸، شماره ۲، صفحه‌های ۲۴۶-۲۴۳.

۲. **دولت‌ها و میانجی‌گران بین‌المللی وظیفه خود را انجام نمی‌دهند.** دخالت دادن زنان بخشی از استانداردهای اجرایی دولت‌ها یا میانجی‌گران در فرایندهای صلح نیست.

۳. **خوش‌شانسی، و نه روش نظام‌مند، هنوز منشاء مداخله برای حمایت از مشارکت زنان است.**

۴. **حامیان مالی به توصیه‌های خود عمل نمی‌کنند.** میان سیاست‌های آنها در مورد قطعنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت سازمان ملل با اقدامها، برنامه‌های امداد و مداخله‌های دیپلماتیک در عرصه‌های منازعه ارتباطی وجود ندارد.

۵. **ورود به گفت‌وگوها هنوز مبتنی بر این معیار است که «تو کیستی؟ آیا ارتش داری؟»** به نظر می‌رسد زنان فقط زمانی صلاحیت مشارکت را می‌یابند که هم‌زمان رهبران مشهوری با تجربه حضور در مذاکرات سطح بالا و فعالان مردمی با هواداران زیاد باشند. حتی در این صورت هم تضمینی برای حضورشان وجود ندارد. اما صلاحیت نقش‌آفرینان مسلح صرفاً در ظرفیت‌شان برای اعمال خشونت است.

۶. **گفت‌وگوهای صلح به دنبال صلح همه‌جانبه نیستند.** برعکس، این گفت‌وگوها به آتش‌بس و قراردادهای سیاسی و مدیریت منازعه توجه دارند که خواسته نخبگان سیاسی است.

۷. **بسیاری از دولت‌ها و نقش‌آفرینان بین‌المللی در پاسخ به دغدغه‌های زنان فقط تعریف ظاهری می‌کنند اما در مداخله‌های اصلی از زنان حمایت نمی‌کنند.**

۸. **ظرفیت‌سازی برای زنان مستقیماً به موضوعهای صلح و امنیت مرتبط نیست.** حتی وقتی آموزشی وجود داشته باشد اغلب زنان را به شیوه‌ای مناسب آماده نمی‌کنند تا ازعهده بسیاری از موضوعهای کلیدی مانند تقسیم قدرت و حکومت‌داری بر بیایند.

### مواجهه با این سوال که «چطور، می‌توان فرایند صلح را فراگیر کرد»

به‌رغم تکامل قابل ملاحظه رویه‌های میانجی‌گری و حل‌وفصل منازعه، و همچنین هنجارهای درک فراگیری درسطوح بالا، مقاومت یا سوءبرداشت در مورد حضور زنان همچنان در بسیاری از فرایندهای رسمی صلح غالب است. بیشتر زنان صلح‌ساز به فرایندهای صلح که نقش اساسی در تعیین سرنوشت آینده کشورشان خواهد داشت، راهی ندارند. زنان در مسیر ورود به این فرایندها با مشکلاتی مانند فقدان اراده سیاسی در میان میانجی‌گران و مذاکره‌کنندگان طرف سوم روبرو می‌شوند، و پرسش‌های سخت‌تری درباره مشروعیت و تخصص یا رویه‌های ویژه در مقابل آنها قرار می‌گیرد.

با تشخیص این موضوع، شبکه بین‌المللی اقدام جامعه مدنی (ICAN) و سازمان‌های همکار آن،<sup>۳۱</sup> جامعه مدنی، دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی را در ژوئن ۲۰۱۴ در سمپوزیوم «مذاکره برای صلحی برتر» گرد هم آورد. این مجمع فراتر از این سوال رفت که چرا فراگیری مهم است و پرسید که چطور می‌توان این فراگیری را عملی کرد. شرکت‌کنندگان در مورد چالش‌های مشترک بر سر راه فراگیری و راه‌حل‌های ممکن برای رفع این چالش‌ها که درست در زمان فرایندهای صلح پیش می‌آیند، به بحث پرداختند.

با توجه به سمینارها، مشاوره‌های منطقه‌ای، و مصاحبه‌هایی که در پی این سمپوزیوم برای «ابتکار صلح برتر» برگزار شد، «ابزار صلح برتر» (BPT) در بخش دوم، شش مانع رایج بر سر راه فراگیری (زیربخش اول) را مورد توجه قرار می‌دهد و چارچوبی ساده اما جامع برای اطمینان یافتن از دخالت دادن ساختارمندتر و نظام‌مندتر زنان صلح‌ساز و دیدگاه‌های جنسیتی در میانجی‌گری و فرایندهای صلح‌سازی پیشنهاد می‌کند (زیربخش دوم).

### «زنان صلح‌ساز، چه کسانی هستند؟»

عبارت «زنان صلح‌ساز» به افراد و سازمان‌هایی اشاره دارد که زنان در راس آنها قرار دارند، متعهد به اصل عدم خشونت و طرفدار گفت‌وگوهای حامی صلح هستند و از حقوق بشر و حقوق زنان حمایت می‌کنند. برخی مروج عدالتند، برخی با دیدگاه جنسیتی برای جلب توجه به تأثیرات منازعه یا پیشبرد صلح فعالیت می‌کنند. زنان صلح‌ساز اغلب اولین کسانی هستند که خواهان گفت‌وگوهای صلح‌اند و با این حال همچنان در حاشیه قرار می‌گیرند. (نگاه کنید به باکس ۲ در مورد نمونه معیارها برای شناسایی گروه‌های جامعه مدنی که بایستی در میانجی‌گری حضور یابند، صفحه ۱۹)

### بخش دوم

#### ابزار صلح برتر (BPT):

#### راهنمای فرایندهای فراگیر صلح و مذاکرات

پیشینه قابل توجهی در مورد تماس با زنان صلح‌ساز و دخالت دادن آنان در فرایند میانجی‌گری وجود دارد اما متأسفانه کتشیها اغلب موقتی بوده‌اند؛ منابع مالی فراهم می‌شود اما حمایت‌های لجستیکی فراهم نمی‌شود یا در لفظ از وارد کردن زنان در مذاکرات صلح حمایت می‌شود اما حمایت‌های مالی یا تکنیکی برای این امر مقرر نمی‌شود. اغلب در مرحله شناسایی نقش‌آفرینان صلح و توجه به مفهوم «صلح» که در این فرایند تعیین می‌شود خلأ وجود دارد. «ابزار صلح برتر» چارچوبی ساده برای اجتناب از رویه‌های پراکنده و مشوق به‌کارگیری دیدگاهی نظام‌مند و همه‌جانبه در همه مراحل فرایند صلح و بهبود رویه میانجی‌گری و صلح‌سازی است.

#### «ابزار صلح برتر» چیست؟

«ابزار صلح برتر» راهنمایی است در دسترس همگان برای کمک به بهبود میانجی‌گری با تأکید بر شمول نظام‌مند و ساختارمند:

• سازمان‌های جامعه مدنی مدافع صلح و برابری و عدم خشونت به‌خصوص **زنان صلح‌ساز**

• **دیدگاه‌های جنسیتی** در ارتباط با موضوع‌های اساسی گفت‌وگوهای صلح.

رهیافتی مناسب همه شرایط وجود ندارد. این ابزار بر اجزاء ضروری تأکید می‌کند که باید متناسب با هر زمینه‌ای اتخاذ شود تا فرایندی موثر و کارآمدتضمین شود.

#### «ابزار صلح برتر» برای چه کسانی است؟

این ابزار در وهله اول برای دولت‌های ثالث، سازمان‌های چندجانبه، سازمان‌های غیردولتی ملی و بین‌المللی، طرف‌های مذاکره‌کننده و دیگرانی است که متعهد به:

۱. میانجی‌گری در یک درگیری یا بحران هستند؛

۲. حمایت‌کننده، حامی مالی یا ضامن میانجی‌گری هستند؛

۳. کمک در حل پایدار یک منازعه و کاهش خطر فرایند ایرادداری را که می‌تواند منجر به تجدید یا تشدید خشونت شود، هستند؛

۴. اجرای قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل در مورد میانجی‌گری صلح آمیز اختلاف‌ها هستند؛

۵. اجرای دستورکار زنان، امنیت و صلح ( قطعنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت سازمان ملل) هستند؛ و

۶. ترویج حضور گروه‌های جامعه مدنی در فرایندهای صلح ویا نظارت آنها بر فرایندهای صلح و اجرای قطعنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت سازمان ملل هستند.

#### چرا فراگیری مهم است؟

شمول جامعه مدنی به مشروعیت و پایداری فرایندهای صلح از راه‌های زیر کمک می‌کند:

• افزایش پذیرش عمومی و مالکیت ملی بر فرایند صلح و کاهش اقدامات گروه‌های حذف‌شده برای منحرف کردن فرایند؛

• مسئول نگه‌داشتن طرف‌های متخاصم مذاکره‌کننده به ایجاد تعادل بهتر در تقسیم «قدرت» و «مسئولیت» در آینده جامعه‌شان؛

• تشویق اراده سیاسی طرف‌های متخاصم برای پایان دادن به خشونت و حل صلح‌آمیز منازعه؛

• توجه به موضوع‌های مهم بشردوستانه و امنیت انسانی؛

• ارائه فرصت‌های آلترناتیو برای حل مسائل؛

• گسترش فهم جمعی ما از مفاهیم و رویه‌های صلح و یکپارچه کردن خرد صلح‌سازان؛ و

• افزایش احتمال تعهد به اجرای توافق‌های به دست‌آمده.

۳۱ نهاد زنان سازمان ملل، موسسه صلح ایالات متحده، موسسه امنیت فراگیر، زنان در امنیت بین‌المللی، ابتکار مدیریت بحران، کنسرسیوم آنا، شبکه جهانی زنان صلح‌ساز، صلح سوئیس.



## زیربخش اول

### موانع رایج و راه‌حل‌های ابتکاری: رویه‌های جدید برای صلح‌سازی فراگیر

#### فرایندهای صلح به‌عنوان دگرگونی‌های اجتماعی

مدتهاست که فرایندهای صلح و گذار سیاسی به پایان بخشیدن به خشونت و حل درگیری‌های مسلحانه توجه کرده‌اند. اما این فرایندها فرصت‌های بسیار اساسی برای تغییر دولتهای متاثر از درگیری یا بحران هم فراهم می‌آورند. آنها می‌توانند و باید منتهی به تاسیس نهادهای جدید، اصلاح قانون اساسی، به‌روز کردن نظام دادگستری، ساختارهای نوین قدرت و روابط در جوامعی شوند که ریشه‌ها و پیامدهای منازعه را مورد توجه قرار می‌دهند. همان‌طور که جنبش‌های مردمی در سراسر دنیا خواهان مشارکت بیشتر در حکومتداری هستند، خواست رفتن فراتر از اهداف کوتاه‌مدت فرایندهای صلح‌سازی - پایان دادن به خشونت - به سوی اهداف بلندمدت مانند صلح پایدار و دگرگونی اجتماعی رو به رشد است.

«ما خواهان حضور زنان بر سر میز گفتگو هستیم چون زنان موضوع‌های قومی و جنسیتی را مطرح می‌کنند و شیوه‌های حکومتداری و دغدغه‌های اجتماعی را مورد توجه قرار می‌دهند. زنان موجب می‌شوند مذاکره‌کنندگان و مجریان صلح صادق بمانند.»

سفیر دان استینبرگ

رئیس و مدیرعامل یادگیری جهانی و سفیر پیشین ایالات متحده در آنگولا

ورود زنان صلح‌ساز در فرایندهای صلح گامی مهم به سوی رهیافت دگرگون‌کننده نسبت به صلح‌سازی است هرچند به دلیل موانع مورد بررسی در زیر همچنان ابهام‌هایی باقی می‌ماند. «ابزار صلح برتر» (BPT) در ادامه گام‌هایی را برای غلبه بر شش مانع زیر پیشنهاد می‌دهد:

**مانع اول:** «ما نماینده همه هستیم.» طرف‌های منازعه پذیرای حضور زنان در گفتگوها نیستند.

**مانع دوم:** «میانجی‌گران نمی‌توانند همه چیز را انجام دهند» یا شمول زنان را به عنوان اولویت در نظر نمی‌گیرند.

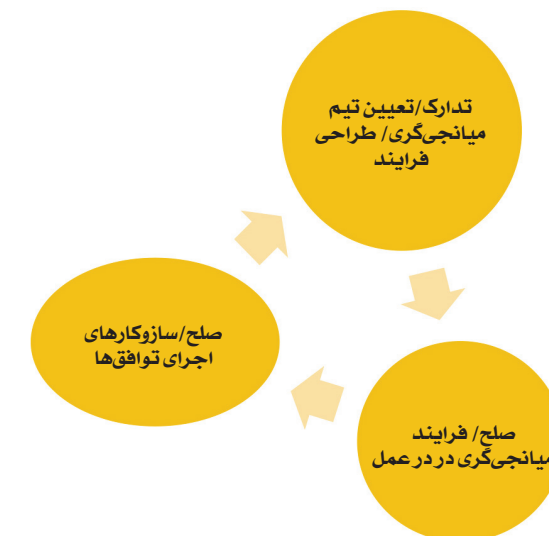
**مانع سوم:** «به هر حال این زنان کیستند؟» تردید در مورد مشروعیت زنان صلح‌ساز.

**مانع چهارم:** «این مسئله به زنان مربوط نمی‌شود.» موضوع‌های امنیتی و نظامی مسائلی تکنیکی هستند و به جامعه مدنی ربطی ندارند.

**مانع پنجم:** «من به‌خاطر اعتبار خودم در اینجا حضور دارم.» وقتی نمایندگان زن می‌گویند «ما نماینده زنان نیستیم.»

**مانع ششم:** «حذف زنان موضوعی فرهنگی است» و «میز گفتگوی صلح جای دست یافتن به برابری جنسیتی نیست.»

این موانع در هر مرحله از فرایندهای صلح - تصویر سمت راست - و حوزه‌های موضوعی مذاکرات صلح بروز می‌کنند.



## مانع اول: «ما نماینده همه هستیم.»

### طرفین منازعه پذیرای حضور زنان در گفتگوها نیستند.

تجربه و تحقیق نشان می‌دهد که طرف‌های متخاصم حاضر به تعامل با نقش‌آفرینان جامعه مدنی به‌خصوص رهبران مذهبی و ریش‌سفیدان هستند. اما نوبت به زنان که می‌رسد، مقاومت قابل ملاحظه‌ای در بیشتر جوامع وجود دارد. در حالی که ممکن است طرفین ادعا کنند که حذف زنان موضوعی «فرهنگی» است، داده‌های موجود نشان می‌دهد که امری جهانی و اغلب ریشه‌دار در هنجارهای سکسیستی است. حذف زنان به بهانه‌های مختلف صورت می‌گیرد: از «آنها صلاحیت ندارند» تا این که «سفر برای زنان امن نیست»، حتی وقتی که زنان در مناطق جنگی زندگی می‌کنند.

### چطور می‌توان بر این مانع غلبه کرد:

۱- شمول زنان را به عنوان امری که به نفع طرفین متخاصم است، مطرح کنید به این دلیل که الف) مشروعیت طرفین را با نشان دادن اینکه به طرفداران‌شان توجه دارند، افزایش می‌دهد. ب) حضور زنان باعث تقویت محتوای اساسی مذاکرات می‌شود و درک مذاکره‌کنندگان را از موضوع‌های تاثیرگذار بر زندگی مردم معمولی بالا می‌برد.

۲- طرفین را تشویق کنید تا زنانی را با تخصص‌های فنی و روابط قوی با زنان صلح‌ساز منصوب کنند.

۳- گزارش‌های جنسیت‌محور در مورد موضوع‌های دستورکار فراهم کنید تا همه نمایندگان بتوانند درک کنند که چگونه زنان و مردان تحت تاثیر جنگ قرار می‌گیرند و به آن واکنش نشان می‌دهند.

۴- شمول نمایندگان زن پارلمان یا زنانی از دیگر ساختارهای حکومتی را در گفتگوها تشویق کنید.

۵- مشوق‌های مثبت عرضه کنید، مانند دادن کرسی‌های اضافی به طرف‌هایی که جمع‌کنندگی از زنان را در گفتگوها وارد می‌کنند.

۶- سهمیه حداقلی برای زنان تعیین کنید؛ اگر هیچ زنی منصوب نشد، این کرسی‌ها خالی می‌مانند.

۷- تعامل زنان صلح‌ساز با طرفین منازعه را تسهیل کنید تا موضوع‌های تاثیرگذار بر جوامع‌شان و فعالیت‌هایشان برای صلح را مطرح کنند.

۸- در مواردی که زنان جزو هیئت‌های نمایندگی هستند، با آنها جداگانه تماس برقرار و به آنها حمایت‌های فنی ارائه کنید و آنها را در تماس با زنان صلح‌ساز قرار دهید.

۹- سفیران را ترغیب کنید تا تیم‌های حمایتی کارشناس در امور جنسیت متشکل از رهبران زن محلی ایجاد کنند تا به میانجی‌گران و تیم‌هایشان اطلاعات و مشاوره بدهند.

در کلمبیا دو زن به خاطر تخصص و دانش فنی‌شان برای هیئت دولتی انتخاب شدند، آنها در همان موقع پذیرای تماس با زنان صلح‌ساز بودند. در طول فرایند صلح کلمبیا ارتباط میان زنان در فرایندهای رسمی و غیررسمی باعث شد تاثیر زنان از میز گفتگوی صلح فراتر برود. به طور مثال در سال ۲۰۱۲ اجلاس زنان و صلح، ۴۴۹ زن را گرد هم آورد و شش طرح برای اجرای توافق‌های صلح پیشنهاد شد که بعد به گروه‌های مذاکره‌کننده ارائه شد.

## مانع دوم:

### «میانجی‌گران نمی‌توانند همه چیز را انجام دهند»

### یا شمول زنان را به عنوان اولویت در نظر نمی‌گیرند.

با توجه به ضرورت پایان دادن به خشونت، میانجی‌گران اغلب فرض را بر این می‌گذارند که حضور زنان ارتباط مستقیمی به مراحل اولیه میانجی‌گری ندارد. برخی از این نگرانند که وارد کردن زنان در گفتگوها ممکن است به پیچیده‌تر شدن روند حساس مذاکرات منجر شود یا به شلوغ‌تر شدن میزهای مذاکره بیانجامد و بر خطر شکست مذاکرات بیافزاید. حتی زمانی که خواهان حضور زنان هستند، باز هم مطرح می‌شود که «میانجی‌گر خدا نیست» و نمی‌تواند همیشه طرفین را برای حضور زنان در مذاکرات ترغیب کند. اما تحقیق نشان می‌دهد که شمول زنان هدف سودمندی است. در بسیاری از موارد زنان نقش‌آفرینان اصلی در برقراری آتش‌بس بوده‌اند و فضایی را برای ادامه گفتگوها ایجاد کرده‌اند.

### چطور می‌توان بر این مانع غلبه کرد:

۱- در هنگام انتصاب فرستاده یا میانجی مطمئن شوید که اجرای قطعنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت سازمان ملل در دستور وظایف آنها وجود دارد.

۲. تلاش کنید تا با نقش‌آفرینان ثالثی که متعهد به وارد کردن زنان در گفتگوها هستند، ارتباط برقرار کنید (برای مثال گروه دوستداران زنان، صلح و امنیت) و خواهان حمایت آنها باشید تا:

- امکان حضور زنان را با ارجاع به تعهدات هنجاری، تاثیر مثبت زنان در کارایی و تجربه آنها در فرایندهای میانجی‌گری دیگر را به طور غیررسمی با میانجی مطرح کنید.
- با تشویق به تعامل نظاممند از همان بدو شروع گفتگوها، تسهیل‌کننده یا برگزارکننده جلسات زنان صلح‌ساز و فرستاده‌های صلح باشید.
- به صورت رسمی از فرستاده درخواست کنید تا در مورد تعامل خود با گروه‌های زنان گزارش دهد.
- از طریق حمایت مالی و نظارت بر انتصاب، اطمینان حاصل کنید که تیم میانجی‌گری از همان آغاز گفتگوها مشاور باتجربه‌ای در زمینه جنسیت/فراگیری داشته باشد.

۳. فرستاده‌های قبلی را که زنان را وارد فرایند مذاکرات کرده بودند، یادآوری کنید و با ارائه الگوهایی نشان دهید فراگیری چطور به دست آمده بود.

۴. مثال‌ها و نقل‌قول‌هایی از دیگر میانجی‌ها و فرستاده‌ها در مورد منافع و تجربیات مثبت وارد کردن زنان صلح‌ساز در فرایندها تهیه کنید.

۵. نمونه‌هایی از به‌کارگیری زبان حساس به جنسیت در توافقات موجود مرتبط با موضوع‌های مختلف را فراهم کنید.

۶. با سازمان‌های بین‌المللی دارای تخصص در مورد زنان، صلح و امنیت و همچنین زنان صلح‌ساز محلی درباره‌ی بهترین روش حمایت از آنها مشورت کنید.

در سال ۲۰۱۴، مری رابینسون، فرستاده ویژه سازمان ملل در آن زمان، برنامه دریاچه‌های بزرگ زنان در چارچوب صلح، امنیت و همکاری را راه‌اندازی کرد تا نقش زنان در اجرای توافق صلح در جمهوری دموکراتیک کنگو و منطقه را ترویج کند. این برنامه برای زنان صلح‌ساز منابع مالی تامین و آنها را با کمیته‌های اجرایی کشوری و منطقه‌ای مرتبط می‌کند که بیشترشان زنان را از عضویت رسمی خودشان حذف کرده‌اند.

### مانع سوم؛

#### «به هر حال این زنان کیستند؟»

#### تردید در مورد مشروعیت زنان صلح‌ساز.

ایجاد تردید در مورد مشروعیت یک گروه یا افراد ابزار مطمئنی برای حذف آنها از فرایندهای میانجی‌گری است. سوال مشروعیت اغلب در ارتباط با وارد کردن زنان در این فرایندها مطرح می‌شود. زنان معمولاً با این عنوان که «بسیار عامی» یا «بسیار نخبه» هستند، فاقد اعتبار و صلاحیت لازم برای شرکت در گفتگوهای صلح تلقی می‌شوند. درحالی‌که همزمان سایر گروه‌های جامعه مدنی مانند رهبران مذهبی یا ریش‌سفیدان از امکان بیشتری برای ورود در گفتگوها بدون مواجهه با این موانع در مورد شایستگی‌شان برخوردارند.

با وجود این، مشروعیت گروه‌هایی که حامل سلاح هستند و دست به خشونت می‌زنند به ندرت مورد تردید قرار می‌گیرد و آنها به این دلیل که می‌توانند با توسل به زور مانع موفقیت فرایند صلح شوند اغلب بدون چون و چرا برای شرکت در فرایند دعوت می‌شوند. این تبعیض ریسک تشویق به استفاده از خشونت را به همراه دارد چون به مرتکبان منازعه در میز مذاکره پاداش و به آنها کرسی اختصاص می‌دهد در حالی که زنان صلح‌ساز و سایر نقش‌آفرینان جامعه مدنی را که متعهد به حل‌وفصل منازعه بدون خشونت هستند، نادیده می‌گیرد.

#### چطور می‌توان بر این مانع غلبه کرد؛

۱. در مورد تاریخ رهبری زنان در صلح در دوران منازعه، سازمان‌دهی‌ها و دستاوردهای گذشته زنان، فعالیت‌هایشان در صلح‌سازی، میانجی‌گری، مذاکرات آتش‌بس، و اشکال تغییر اجتماعی و فرهنگی تحقیق کنید.
۲. این ادعا را که زنان یا «بسیار نخبه»‌اند یا «بسیار عامی» یا فاقد صلاحیت، با طرح تردید و پرسش در مورد صلاحیت مردان حاضر در میز مذاکره رد کنید.
۳. فرمولی را برای فرایندی با «فراگیری کافی»، با ضوابطی برای شمول جامعه مدنی، بر مبنای ارزش‌ها، شایستگی‌ها و هواداران پیشنهاد دهید.
۴. از تلاش‌های زنانی حمایت کنید که مشورت‌های همگانی برگزار می‌کنند تا مانیفست مشترکی برای فرایندهای صلح و فرایندهای مورد توافق انتخاب یا گزینش نماینده‌هایشان تهیه کنند.

اگرچه زنان نقش برجسته‌ای در مذاکرات مربوط به آتش بس‌های محلی در سوریه ایفا کردند، به طور عمده از گفتگوهای صلح به میانجی‌گری سازمان ملل در ژنو در اوایل سال ۲۰۱۴، کنار گذاشته شدند. در آن زمان دولت‌های ثالث حامی از نفوذ سیاسی خود استفاده کردند تا فرستاده سازمان ملل به سوریه با زنان صلح‌ساز دیدارکند. در حالی که نمایندگان زنان اجازه ورود به این دور از گفتگوها در ژنو را نیافتند، از ارتباط اولیه در فرایند رسمی گفتگوها نفع بردند. فشار خارجی برای شمول زنان در واقع عامل کمکی در تعامل نظام‌مندتر شد: امروزه تماس نمایندگان رسمی با زنان سوری در مقایسه با سایر فرایندهای میانجی‌گری رسمی بیشتر شده است.

### باکس ۳. نمونه معیارها

برای شناسایی گروه‌های جامعه مدنی که بایستی در میانجی‌گری حضور یابند

گروه‌های قدیمی و جدید جامعه مدنی در صحنه منازعه وجود دارند. برای وارد کردن آنها در میانجی‌گری مجموعه‌ای از ضوابط ضروری است تا مشخص شود که کدام سازمان‌های جامعه مدنی می‌توانند در گفتگوهای صلح کمک کنند. نمونه معیارهای زیر از مشاوره با متخصصان بین‌المللی میانجی‌گری و فعالان جهانی صلح استنتاج شده است.

#### ارزش‌های اساسی و تعهد به؛

- عدم خشونت و حل و فصل صلح آمیز مجادله؛
- حقوق بشر، حقوق زنان و صلح؛
- حساسیت جنسیتی به موضوع‌های صلح و حکومتداری؛
- استقلال سیاسی و یا عدم هواخواهی متعصبانه؛
- نمایندگی / فراگیری بخش‌های مختلف مانند زنان، جوانان، اقلیت‌ها و گروه‌های حاشیه‌ای.

#### داشتن صلاحیت، حداقل در یکی از این حوزه‌ها؛

- تجربه عملی و فهم جنسیتی از واقعیت‌های عینی؛
- سابقه قوی در زمینه نمایندگی زنان/ جامعه مدنی؛
- ارائه کمک، امدادهای اولیه یا معیشت‌های جایگزین؛
- دسترسی به گروه‌های مسلح و/یا پیشگیری از جذب نیرو برای گروه‌های شبه‌نظامی؛
- خلع سلاح / بازپروری و امنیت شهروند/ اجتماع؛
- داشتن تجربه در میانجی‌گری/ صلح‌سازی، به‌خصوص در جوامع محلی؛
- ترویج انسجام اجتماعی و فرهنگ صلح؛
- تمرکز بر موضوع‌های عدالت و مصالحه و کار با قربانیان؛
- مسائل مربوط به منابع، از جمله منابع ملی و حق بر زمین با درک نیازهای زنان و جوامع محلی.

#### ماهیت پایگاه مردمی؛

سازمان‌ها ممکن است از نظر عمق و گستردگی پایگاه مردمی‌شان با هم فرق داشته باشند اما مفید است که سازمان‌هایی با خصوصیات زیر در فرایند حضور یابند که:

- با پایگاه مردمی «در محل» ارتباط باشند؛
- دارای سازوکار بازخورد برای اطلاع‌رسانی و شنیدن نظرات جوامع محلی از جمله گروه‌های حاشیه‌ای باشند؛
- ظرفیت بسیج و تاثیرگذاری بر افکار عمومی داشته باشند؛
- نماینده گروه‌های متنوعی از زنان، جوانان، گروه‌های اقلیت، و/یا جوامع جغرافیایی/ قومی / مذهبی باشند.

## مانع چهارم:

**«این مسئله به زنان مربوط نمی‌شود.»**

### موضوع‌های امنیتی و نظامی مسائلی ،تکنیکی ، هستند و به زنان صلح‌ساز ،ربطی ندارند .،

برخی استدلال می‌کنند که نیازی به ورود زنان به مذاکرات صلح نیست چون موضوع‌های امنیتی و نظامی ربطی به دغدغه‌های زنان ندارد. برعکس، این عقیده هم وجود دارد که به‌اصطلاح «موضوع‌های زنان» به دستورهای کار متمرکز بر امنیت ربطی ندارد. اما این استدلال‌ها، نقش اصلی این موضوع‌ها را در دینامیک منازعه ـ از خشونت جنسی تا نیازهای امنیتی غیرنظامیان در زمان آتش‌بس ـ نادیده می‌گیرد. وقتی زنان در گفت‌وگوهای صلح وارد شوند، به‌صورت مستمر دایره موضوع‌هایی را که باید مورد بحث قرار بگیرند، گسترش می‌دهند و مسائل امنیتی و توسعه کوتاه‌مدت و بلندمدت را مطرح می‌کنند. این امر در نهایت به فشار برای دستیابی به توافقاتی جامع‌تر و صلح پایدارتر کمک می‌کند.

#### چطور می‌توان بر این مانع غلبه کرد:

۱- خاطرنشان کنید که اکثر موضوع‌هایی که زنان مطرح می‌کنند، با امنیت مرتبط است از جمله اطلاع از مناطق مین‌گذاری شده، تهدیدها و نیازهای امنیتی غیرنظامیان که ممکن است نقش‌آفرینان مسلح در گفت‌وگوها مطرح نکنند.

۲- درک هشیارانه زنان از تغییر الگوهای خشونت و نظارت زنان بر خطرها را برجسته کنید. زنان اغلب درعرصه‌های منازعه تحرک بیشتری دارند و دانش محلی ارزشمندی برای ارائه دارند.

۳- توجه کنید که زنان با جوامع‌شان ارتباط تنگاتنگی دارند و می‌توانند به عنوان اعضای برجسته تیم‌های نظارت و آتش‌بس خدمت کنند.

۴- به خاطر داشته باشید که زنان صلح‌ساز مورد اعتماد محلی‌شان هستند؛ آنها می‌توانند از نظرسنجی‌ها حمایت کنند و اطلاعات باارزشی در مورد نظر غیرنظامیان در مورد تهدیدهای امنیتی، آتش‌بس و سایر موضوع‌ها جمع‌آوری کنند.

۵- آگاه باشید که خشونت جنسی مرتبط با منازعه اغلب عامل اصلی تشدید منازعه و شکنندگی توافقاتی آتش‌بس است. این مسئله اگر در طول گفت‌وگوهای صلح مورد توجه قرار گیرد، می‌تواند در فرایند گستردمتراطمینان‌سازی کند و در صورت شکست گفت‌وگوها، آسیب‌های آن را کاهش دهد.

در اکتبر سال ۲۰۱۰، انجمن مردم مینداناو هیئت‌های زنانه حمایت از غیرنظامیان خود را برای نظارت برتوافقاتی آتش‌بس به‌راه انداخت. اولین گروه ۳۰ نفره زنانی را با پیشینه‌های متنوع قومی و مذهبی از سراسر فیلیپین دربرگرفت. بسیاری از آنها برای توجه بیشتر به تجربیات زنان در جنگ و پایبندی به قطعنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت فعالیت زیادی کرده بودند. آنها متشکل از زنانی در سنین ۲۰ تا ۶۲ ساله بودند که در سراسر مناطق متاثر از جنگ مینداناو به کار گرفته شدند تا با دستور وظایف شفاف بر ایمنی جوامع غیرنظامی نظارت کنند، اطمینان حاصل کنند که طرف‌های درگیر جنگ به تقدس مکان‌های مذهبی احترام می‌گذارند، و بر ارائه کمک به جمعیت‌های محلی و آوارگان داخلی و تعمیق مالکیت محلی بر فرایند صلح و اقناع نظارت کنند. در حالی که برخی از رهبران مذهبی و نظامی ابتدا به حضور زنان بدبین بودند، واکنش‌های محلی مثبت بود. به‌خاطر تنوع گروه، زنان توانستند میان گروه‌های مختلف در جنگ پل ارتباطی بزنند و اعضای گروه به این دلیل که در جنگ زیسته بودند، احساس همدلی عمیق و تعهد به غیرنظامیان و تمایل به ارتباط سازنده با نظامیان و گروه‌های شورشی داشتند.

## مانع پنجم:

**«من به‌خاطر اعتبار خودم در اینجا حضور دارم.»**

**وقتی نمایندگان زن می‌گویند «ما نماینده زنان نیستیم.»**

مقاومت در برابر فراگیری فقط از سوی گروه‌های نظامی یا نقش‌آفرینان دولتی نیست بلکه در داخل جامعه مدنی هم صورت می‌گیرد و منجر به بروز تنش‌هایی میان نمایندگان یا هیئت‌های زنان و گروه‌های جامعه مدنی می‌شود. در برخی موارد، نمایندگان زنان تلاش می‌کنند تا خود را از زنان در محل جدا نشان دهند چون نگرانند که موقعیت آنها در میز مذاکره به جای این که نتیجه کار سخت و شایستگی‌هایشان تلقی شود بیشتر به عنوان نماینده‌های زنان و برای پرکردن کرسی‌های مختص زنان لحاظ شود. مهم است که به خاطر داشته باشیم که صرف حضور یک زن در گفت‌وگوها باعث نمی‌شود که او به‌طور اتوماتیک نماینده همه زنان کشورش شود یا ارتباط او را با جامعه صلح‌سازان تضمین کند.

#### چطور می‌توان بر این مانع غلبه کرد:

۱- نماینده‌های زنان را به حفظ ارتباطشان با زنان صلح‌ساز و گروه‌های جامعه مدنی که حامی صعودشان هستند، تشویق کنید.

۲- مجموعه مقررات رفتاری را تنظیم کنید که نماینده‌های زنان را به گروه‌هایی که آنها را تا جایگاه‌های رهبری ارتقا داده و برای انتصابشان تبلیغ کرده‌اند، متصل کند. این توافق نیمه‌الزامی ماموریت مشترک آنها در فرایند صلح را تعریف می‌کند.

۳- از زنانی که در میز گفت‌وگو صاحب کرسی هستند، حمایت و راهنمایی‌هایی را به آنها ارائه و برای آموزش فردی و بلندمدت آنها سرمایه‌گذاری کنید. حتی اگر این حمایت‌ها مستلزم اقدام‌های خلاق برای توانمندسازی زنان برای فعالیت در موقعیت‌های خطرناک فیزیکی باشد. زنان را در زمینه‌هایی مجهز به دانش و مهارت کنید که به‌طور خاص مرتبط با منازعه است. این امر نه تنها فرایندهای صلح را تقویت می‌کند بلکه اعتبار بیشتری برایشان به همراه می‌آورد.

۴- به زنان آموزش‌های راهبردی برای رسیدن به تاثیرگذاری بر گفت‌وگوها بدهید. برای مثال نماینده‌های زن باید تلاش کنند شکاف جنسیتی را پر کنند و با متحدان مرد، بدون در نظر گرفتن موقعیت یا ارشدیت آنها، ارتباط برقرار کنند.

نمایندگان زن از این قابلیت برخوردارند که مدافعان بسیار خوبی برای حقوق زنان و حامیان صدای جامعه مدنی باشند اما آنها به حمایت و دانش نیاز دارند تا در صورت رسیدن به موقعیت‌های رهبری، تاثیرگذار باشند. در منازعه‌های جاری، این موضوع به شکل بسیار متفاوتی به اجرا درآمده است. در سودان جنوبی زنان منصوب ارتباط خود را با جامعه مدنی و گروه‌های زنان قطع و خطمشی حزب دولتی را دنبال کردند. اما در فیلیپین مذاکره‌کننده‌گان زن در هیئت دولتی پیوندهای خیلی قوی با زنان صلح‌ساز و جامعه مدنی حفظ کردند و توان خود را صرف گفت‌وگوهای صلح و بحث‌های مربوط به قانون دوره گذار بانگسامورو (Bangsamoro) کردند.

## مانع ششم:

**« حذف زنان موضوعی فرهنگی است»**

**و «میز گفت‌وگوی صلح جای دست یافتن به برابری جنسیتی نیست.»**

اگر حذف زنان از فرایندهای صلح موضوعی فرهنگی بود، پس ما باید شاهد تفاوت قابل ملاحظه‌ای بین کلمبیا و سوریه، برمه و برون‌دی می‌بودیم . مناطقی که با یکدیگر بسیار تفاوت دارند. با این حال حذف زنان از صلح‌سازی امری مشترک در همه این مناطق است. این پدیده‌ای جهان‌شمول است و نشان می‌دهد که عامل‌های دیگری هم به این موضوع مرتبط هستند، و به‌طور مشخص میز گفت‌گوهای صلح محل معامله بر سر قدرت تقسیم آن است. کسانی که سر این میز حاضر می‌شوند می‌خواهند میز را محدود نگه دارند. آنها نه می‌خواهند قدرت را تقسیم کنند و نه به نیروهای آلترناتیو پاسخگو باشند. هم‌زمان برخی استدلال می‌کنند که میز صلح محلی برای توجه به هنجارهای حساس فرهنگی نیست، خواه از طریق مشارکت زنان خواه از طریق گنجانیدن موضوع برابری جنسیتی در دستورکار. اما این پیش‌فرض اشتباه است که زنان فقط برای درخواست برابری جنسیتی به سر میز گفت‌وگوی صلح می‌آیند.

#### چطور می‌توان بر این مانع غلبه کرد:

۱- این ادعاها را با ذکر این که تاثیرات جنگ مسئله زنان و مردان است، رد کنید. زنان صلح‌ساز در مناطق جنگی اغلب از نیازهای جوامع‌شان به‌ویژه تهدیدهایی که مردان با آن مواجه می‌شوند، صحبت می‌کنند.

۲- خاطرنشان کنید که زنان صلح‌ساز اغلب موضوع‌های حساس مرتبط به همه را طرح می‌کنند (برای مثال شراکت در منابع با چشم‌انداز جنسیتی، اصلاح پلیس و اصلاح بخش امنیتی.)

۳- زنان صلح‌ساز را برای اطلاع‌رسانی و جستجو در مورد داده‌های مربوط به موضوع‌های اصلی دستورکار دور هم جمع کنید. با آنها فقط در مورد موضوع‌های جنسیتی و نیازهای زنان صحبت نکنید.

۴- از طرف‌ها درباره تجربیات متفاوت و نیازهای زنان و مردان در پایگاه‌های مردمی آنهادر مورد هر یک از موضوع‌های مهم دستورکار (حق بر زمین، خلع سلاح عمومی و غیره) سوال کنید.

توافقاتی حاصل‌شده بر سر میز صلح، نقشه راه آینده کل جامعه از جمله زنان، جوانان، اقلیت‌ها و سایر گروه‌ها است. اگر این گروه‌ها هیچ نماینده‌ای سر میز گفت‌وگوها نداشته باشند، در معرض این خطر هستند که آینده‌شان روی میز گفت‌وگوها مورد معامله قرار بگیرد. گفت‌وگوهای صلح آچه منجر به ظهور نیروی اسلام‌گرایی شد که دستورکار واپس‌گرایانه‌ای علیه حقوق زنان را با فشار پیش برده است. صلحی که به نفع یک گروه یا بخشی از یک جامعه مورد مذاکره قرار گیرد نباید به بهای زندگی سایر بخش‌ها به ویژه نیمی یا بیشتر از نیمی از جمعیت به دست آید.

## زیربخش دوم

### چهار حوزه راهنما برای صلح برتر: گام‌های فعال برای تحقق فراگیری

#### چطور و چه زمانی می‌توان از این ابزار استفاده کرد:

راحتتر و موثرتر این است که فراگیری در همان مراحل اولیه تلاش‌های میانجی‌گری مدنظر قرار بگیرد، حتی قبل از این که فرایند رسمی آغاز شود وقتی که نقش‌آفرینان و دستورکار هنوز تعیین نشده‌اند. اما هیچ‌وقت برای این کار خیلی دیر نیست.

در هر مرحله‌ای از فرایند، چهار حوزه مرتبط هم‌بسته در زمینه حمایت وجود دارد که باید هم‌زمان به اجرا درآید:

• تحلیل‌های متفاوت، درک از **شرایط**، طیف نقش‌آفرینان و اهداف احتمالی طرف‌های ذینفع محلی از گفتگوهای صلح را شناسایی کنید؛

• از فراگیری در حوزه‌های رسمی و غیررسمی **حمایت سیاسی** کنید؛

• **حمایت تکنیکی** و تخصصی برای تقویت مهارت‌های مذاکراتی و ظرفیت ورود به موضوع‌های محتوایی را عرضه کنید؛

• **کمک‌های مالی و لجستیکی** به‌موقع به زنان صلح ساز عرضه کنید.

رهیافت ساختارمند «ابزار صلح برتر» برای فراگیری موثر چهار حوزه اقدام را برجسته می‌کند که در هر مرحله از فرایند صلح مدنظر قرار بگیرند:



#### یک) شرایط میانجی‌گری را درک کنید

۱. در مورد محرک‌ها و علل منازعه و صلح بیاموزید.

۲. درباره‌ی تاثیر متفاوت منازعه بر زنان و مردان، اینکه چطور به آن واکنش نشان می‌دهند، و دیدگاه جامعه محلی نسبت به آینده بپرسید.

«تعریف صلح مورد کاربرد جامعه بین‌المللی چیست؟ اگر خود صلح به خوبی تعریف نشده باشد، فرایند صلح چگونه می‌تواند وجود داشته باشد؟»  
- دانا بی، فعال صلح از سوریه

۳. شرحی از نقش‌آفرینان، از جمله نقش‌آفرینان موجود یا جدید جامعه مدنی در ارتباط با صلح تهیه کنید. از جامعه مدنی محلی یا متخصصان جنسیت/ فراگیری در موسسه خودتان کمک بخواهید.

۴. بپرسید زنان به صورت خصوصی و عمومی چگونه به قدرت دست می‌یابند و بر آن تاثیر می‌گذارند به نحوی که مشارکت به شرایط حساس باشد و از زنان قدرت را سلب نکند.

۵. با زنان صلح‌ساز ملاقات و از آنها درخواست کنید یا به آنها سفارش بدهید تا الف) جنبه‌های جنسیتی موضوع‌های دستورکار را تحلیل کنند، ب) تلاش‌های گذشته برای دخالت دادن زنان در مذاکرات را ترسیم کنند و ج) راه‌حلهایی برای موضوع‌های امنیتی، بشردوستانه یا سایر مباحث اساسی ارائه کنند.

۶. زنان صلح‌ساز را در راهبرد میانجی‌گری بگنجانید تا از فرایندهای رسمی دور اول منزوی نشوند.

۷. امکان دسترسی به زنان، جوامع به‌حاشیه رانده‌شده و غیرنظامیان همه طرف‌های منازعه را فراهم کنید، از تلاش‌های بین‌المللی و چندجانبه برای مشاوره‌های گسترده حمایت کنید، و در صورت لزوم ایجاد فضایی کاملاً زنانه را پیشنهاد بدهید.

#### مهم برای یادآوری:

• با زنان فقط در مورد «مسائل زنان» صحبت نکنید. دیدگاه‌های‌شان را درباره همه موضوع‌های جویا شوید و از آنها دعوت کنید تا در بحث‌های موضوعی شرکت کنند و سخن بگویند.

• بسیار مهم است که به دنبال تضمین‌های امنیتی باشید برای این که چه دولت‌ها و چه گروه‌های مسلح به زنان صلح‌سازی که در گفتگوهای صلح، جلسه‌های مشاوره یا جلسه‌های تدارکاتی شرکت می‌کنند، حمله نکنند، آنها را آزار ندهند، زندانی نکنند یا تحت تعقیب قرار ندهند. این زنان باید از همان میزان تامین امنیت برخوردار باشند که گروه‌های مسلح هستند.

«زنان صلح‌ساز خطرناک‌ترین کار را می‌کنند.»

سفیر دان استینبرگ، رئیس و مدیرعامل یادگیری جهانی و سفیر پیشین آمریکا در آنکولا

#### دو) از فراگیری حمایت سیاسی کنید

۱. اجرای قطعنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت سازمان ملل را در وظایف میانجی‌ها بگنجانید. مشارکت زنان و جامعه مدنی را معیار اصلی برای گزینش میانجی‌ها قرار دهید.

۲. تعهد سازمان خود را به قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل درمورد میانجی‌گری صلح‌آمیز مناقشه‌ها و نیز دستورکار قطعنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت در سطح خصوصی و عمومی نشان و به آن ارجاع دهید.

۳. به برابری جنسیتی و تخصص در تیم‌تان متعهد باشید (حداقل ۳۰ درصد سهمیه برای زنان در تیم‌ها/هیئت‌ها)؛ جویای زنان صلح‌ساز به‌خاطر تخصص‌شان باشید.

۴. الگوها / شیوه‌های چندگانه فراگیری را با همه ذینفعان و میانجی‌ها به اشتراک بگذارید و توضیح دهید که چرا این الگوها مهم‌اند. فقط بر یک شیوه فراگیری تکیه نکنید.

۵. زنان صلح‌ساز را به صحبت و مشارکت در جلسه‌ها / اجلاس‌های بین‌المللی تدارکاتی، راهبردی و اجرایی دعوت کنید. اطلاعات به‌روز در اختیار زنان بگذارید، از آنها حمایت کنید و به آنها زمان بدهید تا آماده شوند.

۶. خواهان شمول زنان صلح‌ساز به عنوان امضاکنندگان توافق‌های صلح بشوید. سوابق این کار را در لیبریا، سومالی و ایرلند شمالی خاطرنشان کنید.

۷. درباره‌ی وجود حساسیت جنسیتی در اهداف و ساختار نهادهای اجرایی صلح و یا گذار به آن تحقیق کنید؛ اطمینان حاصل کنید که سهمیه و یا سایر اقدام‌ها برای شمول عملی زنان، برقرار شده‌اند.

۸. جلسه‌های منظمی را برای زنان صلح‌ساز با هیئت‌های بین‌المللی، تیم‌های دیپلماتیک و فرستاده‌ها، از جمله در مراحل پیش از گفتگو و مراحل اجرایی، برقرار یا میزبانی کنید.

۹. کارگروه‌های موضوعی ملی برای اجرای توافق‌ها تشکیل دهید؛ از جمله گروهی را با عنوان «۱۳۲۵» برای نظارت و اطمینان یافتن از حساسیت جنسیتی. اعضای این گروه را برای فعالیت به سایر گروه‌های موضوعی بفرستید، همانند کاری که در سال ۲۰۰۷ در نپال انجام شد.

۱۰. ریسک ناشی از فاسدکنندگان را با حفظ استمرار و تامین منابع مالی گروه‌های زنان طرفدار صلح کاهش دهید تا توجه به اجرا حفظ شود. همچنین علیه تغییرات منفی پس از امضای توافق، هشدار دهید.

#### مهم برای یادآوری:

- اگر از ریش‌سفیدان، همانند رهبران مذهبی یا طایفه‌ای برای گفت‌وگوهای غیررسمی یا رسمی دعوت می‌کنید، با زنان صلح‌ساز مشورت کنید که کدامشان چهره‌هایی معتبر و مورد احترام هستند و از ارزش‌های حقوق بشری و برابری حمایت می‌کنند.
- حتی اگر فضا برای گسترش حضور و مشارکت در گفت‌وگوهای رسمی محدود است، با زنان صلح‌ساز در طول فرایند به صورت نظام‌مند، پیوسته و منظم در ارتباط باشید.
- هزینه‌های سیاسی، امنیتی و بشردوستانه فرایندهای انحصاری که بیشتر مستعد شکست هستند، موجب می‌شوند فراگیری به شرطی مبتنی بر عقل سلیم برای کسب حمایت سیاسی و مالی بدل شود.
- کلیه بازدیدهای شورای امنیت سازمان ملل از کشورها باید جلسه‌هایی را با سازمان‌های جامعه مدنی و زنان صلح‌ساز برای شنیدن نظریات آنها دربرگیرند.

استفاده از نفوذ خود برای مطالبه شمول زنان را در نظر داشته باشید. همچنان که کاره آس، سفیر پیشین نروژ در افغانستان، گفت: «اگر قرار باشد نروژ افغان‌ها را به پای میز صلح بیاورد، پیش شرط آن این است که زنان هم آنجا باشند.» به خاطر این حمایت سیاسی زنان در هیئت‌های گفت‌وگو گنج‌انیده شدند.

#### باکس ۴. شیوه‌های خوب در گزینش نمایندگان جامعه مدنی

نقش‌آفرینان بین‌المللی اغلب مشکل یافتن نمایندگان گروه‌های زنان و جامعه مدنی را به عنوان مانعی مهم برای شمول آنها در فرایندهای صلح مطرح می‌کنند. همانطور که در «مانع سوم» ذکر شد، سوال‌هایی از قبیل این که «آنها کیستند؟»، «چطور می‌توانیم از موثر بودن نمایندگی‌شان اطمینان بیابیم؟» و حرف‌هایی مثل «اگر یکی از آنها را دعوت کنیم باید هم‌شان را دعوت کنیم» اغلب منجر به حذف کامل جامعه مدنی (به‌خصوص گروه‌های زنان) شده است که هم فعال و هم متعهد به پایان دادن به منازعه هستند.

ایده‌آل این است که گروه‌های محلی جامعه مدنی فرصت داشته باشند که دور هم جمع شوند و نمایندگان خود را انتخاب کنند، همان‌طور که در گواتمالا و ایرلند شمالی این کار انجام شد. مشارکت آزاد و نشر آگهی برای سمت‌ها هم امکان‌پذیر است اما این روش‌ها در سایر موارد غیرممکن است.

این باکس بر اساس باکس ۲، «نمونه معیارها برای شناسایی گروه‌های جامعه مدنی که بایستی در میانجی‌گری حضور یابند» تهیه شده و شیوه‌های خوبی را برای گزینش شرکت‌کننده‌ها و نمایندگان نشان می‌دهد که برگرفته از تجربه فعالان صلح در سطح جهانی است.

۱. شرحی از نقش‌آفرینان با استفاده از ارزیابی‌های میدانی و تماس با افراد معتمد محلی و بین‌المللی برای تعیین صحت و اعتبار کار تهیه کنید.

۲. از طریق مشاوره با نقش‌آفرینان محلی معیارهای گزینش را تدوین کنید (نگاه کنید به باکس شماره ۳): رهیافت‌های بالا به پائین ممکن است فاقد مشروعیت باشد. معیارها را مشخص و قابل دستیابی تنظیم کنید و از گنجاندن حساسیت جنسیتی در بین اولویت‌ها اطمینان بیابید.

۳. برای دسترسی به زنان صلح‌ساز، با گروه‌های غیرسنتی ارتباط برقرار کنید به‌خصوص با شبکه‌های جهانی زنان، صلح و امنیت.

۴. از این موارد آسیب‌زا خودداری کنید: الف) دعوت از افراد شناخته‌شده یکسان؛ ب) محدود کردن سخنرانان به انگلیسی‌زبان‌ها؛ پ) برقرار نکردن توازن جغرافیایی/ قومی؛ ت) عدم مشاوره یا ندادن توضیح درباره منطق گزینش افراد.

۵. به سازمان‌ها دعوت‌نامه بفرستید - نه به افراد - و از آنها بخواهید تا نماینده‌های خود را در ارتباط با موضوع دستور کار گزینش/ انتخاب کنند.

۶. در صورت امکان مشاوره‌های ملی موازی راه‌اندازی کنید تا از طریق آنها نماینده‌ها را شناسایی کنید.

۷. حلقه‌های بازخورد و رابط تشکیل دهید تا افراد را مطلع نگه دارند حتی اگر زمان محدود است. توضیح دهید که چرا همه به تکتک جلسه‌ها دعوت نشده‌اند.

۸. از گروه‌های جامعه مدنی محلی بر اساس حوزه تخصص‌شان برای حضور در جلسه‌های بین‌المللی دعوت کنید (برای مثال سازمان‌های امدادرسانی را به اجلاس‌های بشردوستانه دعوت کنید).

۹. به فرایند گزینش که سازمان‌های جامعه مدنی ایجاد کرده‌اند احترام بگذارید و تصمیم‌های آنها را زیر پا نگذارید.

#### سه (حمایت‌های تکنیکی ارائه کنید

۱. اطمینان حاصل کنید که مشاوران فنی (همانند تیم آمادہ‌باش سازمان ملل) و رهبری تیم میانجی‌گری از حوزه تخصص‌شان فهم جنسیتی دارند از طریق الف) تبدیل آن به معیاری در طول استخدام و به عنوان بخشی از وظایف‌شان؛ ب) ارایه آموزش‌های رسمی و ج) انتظار شراکت با مشاوران فراگیری/ جنسیت.

۲. ترتیب تهیه گزارش‌های جنسیتی مرتبط با همه موضوع‌های اصلی را که ممکن است در گفت‌وگوهای صلح مطرح شود، بدهید. با طرفین درگیر و زنان صلح‌ساز برای تدوین این گزارش‌ها مشورت کنید.

۳. در جستجو و انتصاب فرستاده‌هایی باشید که پیشینه کاری‌شان نشان می‌دهد که با زنان صلح‌ساز کار کرده‌اند و نگاه جنسیتی را در حوزه‌های اصلی به کار گرفته‌اند.

۴. یک مشاور ارشد جنسیت/ فراگیری متعهد منصوب کنید که مستقیماً به فرستاده گزارش می‌دهد و عضو تیم سیاسی است.

۵. توصیه کنید که یک مشاور بی‌طرف فراگیری و جنسیت برای گفت‌وگوهای صلح منصوب شود و مسئول اطلاع‌رسانی به همه طرف‌های مذاکره باشد.

۶. در ارتباط با موضوع‌های تکنیکی (برای مثال در زمینه ساختارهای حکومتداری، توقف خصومت‌ها) از جمله میانجی‌گری و مهارت‌های مذاکره در زنان صلح‌ساز ظرفیت‌سازی کنید. تا جایی این آموزش‌ها را ادامه دهید که این زنان تبدیل به مجریان و ناظران گفت‌وگوها شوند.

۷. امکان ایجاد ائتلاف میان زنان صلح‌ساز را فراهم کنید بدون این که آنها را مجبور به عضویت در یک مجموعه کنید. برای ارائه این حمایت با نهاد زنان سازمان ملل و سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی همکاری کنید.

#### مهم برای یادآوری

• میانجی‌گران بایستی در مورد نحوه درست اجرای دستورکار قطعنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت سازمان ملل در کلیه حوزه‌های مهم و اساسی فرایند صلح مورد ارزیابی قرار بگیرند.

• انتصاب یک کارشناس رابط (دارای امکان تماس عمومی) را در تیم میانجی‌گری مد نظر داشته باشید که وظیفه‌اش اطلاع‌رسانی و پاسخ‌دهی به جامعه مدنی و زنان صلح‌ساز باشد تا آنها قادر باشند مستقیم و مرتب به میانجی یا فرستاده سازمان ملل دسترسی داشته باشند.

برای ایجاد الگوی رهبری فراگیر، خواهان حضور میانجی‌گرهای زن - مرد به‌صورت مشترک شوید. فرایند میانجی‌گری در کنیا در سال ۲۰۰۸ با رهبری گراکا ماشل و کوفی عنان پیشینه مهمی در این زمینه محسوب می‌شود.

#### چهار) حمایت‌های مالی و لجستیکی ارائه کنید

۱. از سازمان‌های محلی حمایت‌های مالی به‌موقع و منعطف بکنید تا در زمینه صلح‌سازی فعالیت کنند. در صورت نیاز منابع مالی را از طریق سازمان بین‌المللی غیردولتی قابل‌اعتمادی با سابقه فعالیت در مورد زنان، صلح و موضوع‌های امنیتی دارند، پرداخت کنید.

۲. درخواست‌های ویزا، پشتیبانی‌های لجستیکی و حمایت‌های امنیتی از زنان صلح‌ساز را تسریع و هماهنگ کنید.

با جامعه مدنی متأثر از شرایط جنگی برای تشخیص دغدغه‌های امنیتی و توجه به آنها مشورت کنید.

۳. اطمینان پیدا کنید که زنان صلح‌سازی که در برنامه‌های بین‌المللی شرکت می‌کنند دارای کارت عبور و دسترسی به جلسه‌ها هستند.

۴. برای زنان صلح‌ساز مقرری در نظر بگیرید، نه فقط برای شرکت در فرایند صلح بلکه برای حمایت از خانواده‌هایشان نیز.

۵. در تمام جلسه‌ها ترجمه شفاهی و نیز ترجمه مطالب مرتبط از جمله اسناد مقدماتی فنی را به زبان(های) محلی ارائه کنید.

۶. منابع بلندمدتی برای تداوم کار شبکه‌های زنان صلح‌ساز اختصاص دهید، به‌خصوص در طول دوره اجرای توافق‌ها که دانش فنی و تخصص محلی این زنان در هر بخش موضوعی بسیار مهم است.

## نتیجه‌گیری:

### نظام فکری و رویه‌های در حال تغییر

خاموشی تفنگها، توقف بمبها و توافق برای پایان دادن به جنگ برای اینکه فرهنگ حقیقی صلح ریشه بدواند همیشه دشوار است؛ اما اگر این کار مهم فقط در دستان اقلیتی باشد که به اعمال خشونت به عنوان راهی برای رسیدن به قدرت باور دارد، جنگها و دلایل ریشه‌ای بروز آنها دائمی خواهند ماند. در حالی که اقلیت خشن و پر سرو صدا بایستی به جنگیدن پایان دهد، ما نمی‌توانیم اکثریتی را که اغلب خاموش و صلح‌طلب و به همین اندازه فعال است، نادیده بگیریم.

حتی در میانه دهشت‌بارترین و پیچیده‌ترین منازعه‌ها همانند سوریه، افغانستان، سودان یا برمه اکثریت مردم برای حفظ صلح و روال طبیعی زندگی خود و خانواده‌شان ایستادگی می‌کنند. در هر شرایطی، مجموعه‌های کوچکی از شهروندان با برخورداری از منابع و شجاعت لازم و مجهز به ارزش‌ها و عقایدشان، به‌خاطر صلح در اجتماع و کشورشان فعالیت می‌کنند. آنها ممکن است دیدگاهها و صداهای ناهمخوان و بسیار متفاوتی داشته باشند، اما به‌خاطر شجاعتشان، تعهدشان به پایان دادن خشونت، و تصویری ریشه‌دار در عدالت اجتماعی و برابری از جوامع، نقش‌آفرینان بسیار مهمی هستند. جامعه بین‌المللی هم باید این افراد را به همین صفت و با حق مشارکت در مذاکرات آینده به رسمیت بشناسد.

این کار مستلزم تغییر در نظام فکری کوتاه‌بینانه در مورد مذاکرات صلح به عنوان فرایندهای امنیتی و سیاسی به سمت این تشخیص است که این فرایندها باید اجتماعی هم باشند. میز گفت‌وگوی صلح به جای این که جایی برای تفرقه و تقسیم قدرت باشد، بایستی فضایی برای تقسیم و شراکت در مسئولیت برای بازسازی دوباره جامعه متاثر از جنگ باشد.

این فرض که فرایندهای انحصاری صلح می‌توانند در جنگ‌های امروز منتهی به صلح پایدار شوند، آرمان‌گرایانه است. فراگیری صلح‌سازان جامعه مدنی - مردان و زنان - ضرورت رویه‌رشدی برای پیشگیری موثر، حل‌وفصل و تغییر ماهیت منازعه‌های دوران معاصر است. «ابزار صلح برتر» راهنمای عملی و گام‌های فعال برای تحقق عینی این فراگیری را پیش می‌نهد.

## پیوست ۱

### قطعه‌نامه‌های شورای امنیت سازمان ملل در مورد زنان، صلح و امنیت<sup>۲۷</sup>

قطعه‌نامه / سال	کانون توجه
۲۰۰۰ / ۱۳۲۵	این قطعه‌نامه ارتباط میان تجربیات زنان از جنگ و حفظ صلح و امنیت را به رسمیت می‌شناسد؛ مصرانه خواستار <b>رهبری زنان و مشارکت برابر</b> آنها در حل منازعه و صلح‌سازی است؛ عادی‌سازی جنسیتی در عملیات صلح را مقرر می‌دارد.
۲۰۰۸ / ۱۸۲۰	اولین قطعه‌نامه‌ای است که خشونت جنسی مرتبط با جنگ را به عنوان تاکتیک جنگی تشخیص می‌دهد؛ بر لزوم <b>افزایش نقش زنان در تصمیم‌سازی</b> در مورد پیشگیری و حل‌وفصل منازعه تأکید می‌کند.
۲۰۰۹ / ۱۸۸۸	تقویت‌کننده ابزارهای اجرایی قطعه‌نامه ۱۸۲۰ است، و انتصاب نماینده ویژه خشونت جنسی در زمان جنگ را از دبیر کل مطالبه می‌کند؛ از <b>فقدان میانجی‌گران زن</b> ابراز نگرانی می‌کند.
۲۰۰۹ / ۱۸۸۹	خواهان تقویت بیشتر <b>مشارکت زنان در فرایندهای صلح</b> و دوران بعد از منازعه و همین‌طور تدوین شاخص‌ها، نظارت و گزارش‌دهی برای سنجش پیشرفت مفاد قطعه‌نامه ۱۳۲۵ است.
۲۰۱۰ / ۱۹۶۰	سیستم پاسخگویی برای خشونت جنسی در منازعه مقرر می‌کند؛ تشویق‌کننده تلاش‌ها برای <b>افزایش مشارکت زنان در فرایندهای رسمی صلح</b> است.
۲۰۱۳ / ۲۱۰۶	راهنمای عملیاتی برای توجه به خشونت جنسی ارائه می‌کند و خواهان به‌کارگیری بیشتر مشاوران محافظت از زنان است.
۲۰۱۳ / ۲۱۲۲	از همه طرفه‌های گفت‌وگوهای صلح می‌خواهد تا <b>امکان مشارکت برابر و کامل زنان</b> را در مراحل تصمیم‌سازی تسهیل کنند؛ <b>افزایش مشارکت زنان را در صلح‌سازی</b> با افزایش منابع برای زنان در مناطق جنگی هدف دارد؛ بر سهم حساس <b>سازمان‌های جامعه مدنی زنان</b> صحنه می‌گذارد.
۲۰۱۵ / ۲۲۴۲	پانزدهمین سالگرد قطعه‌نامه ۱۳۲۵ شورای امنیت را گرامی می‌دارد و دوباره بر تعهد به آن تأکید می‌کند؛ <b>نقش زنان در مقابله با افراط‌گرایی خشن</b> را برجسته می‌کند و به تأثیر متفاوت تروریسم بر حقوق بشر زنان و دختران توجه می‌کند.

۲۷ جدول بالا را از نوشته ماری آ رایلی، آندریا آ سویلی‌آبهاین و تانیا پافنهولز با عنوان «تصور دوباره صلح‌سازی: نقش زنان در فرایندهای صلح»، موسسه بین‌المللی صلح (ژوئن ۲۰۱۵) برگرفته‌ایم.

## پیوست ۲

### همکاران و سازمان‌های طرف مشاوره

شبکه زنان افغان (AWN)	سازمان ایو برای توسعه زنان	سرپاز
مرکز آفریقایی حل‌وفصل سازنده اختلافات (ACCORD)	آکادمی فولکه برناؤت	شبکه مطالعات منازعه جنوب آسیا
وزارت‌خانه‌های مصالحه و رهبری آفریقا (ALARM)	بنیاد بین‌المللی مدارا (FTI)	(SEACSN)
کنسرسیون آتا	نسل درعمل	صلح سوئیس
بنیاد برگهوف	شبکه جهانی زنان صلح‌ساز (GNWP)	ابنکار زنان سوریه برای صلح و دموکراسی
خانه زنان	ابتکار دیپلماسی آرام	(SWIPD)
مرکز میانجی‌گری صلح	موسسه امنیت فراگیر (IIS)	دفتر امور سیاسی سازمان ملل (UNDPA)
مرکز گفت‌وگوی بشر دوستانه (HD)	موسسه بین‌المللی صلح (IPI)	اعضای تیم آمادهباش مشاوران میانجی‌گری
مرکز میانجی‌گری در آفریقا (CMA)	شبکه حمایت از میانجی‌گری (MSN)	سازمان ملل
مرکز مطالعات صلح و منازعه (CPCS)	مبادرون: شهروندان فعال در سوریه	موسسه صلح ایالات متحده (USIP)
منابع‌مصالحه (CR)	زنان هوادار صلح	زنان متعهد به اقدام در ۱۳۲۵ (WE Act ۱۳۲۵)
ابتکار مدیریت بحران (CMI)	ابتکار صلح نایروبی-آفریقا (NPI-Africa)	شبکه غرب آفریقا برای صلح‌سازی (WANEP)
	موسسه تحقیقات صلح اسلو (PRIO)	لیگ بین‌المللی زنان برای صلح و آزادی
	در جستجوی یک مبنای مشترک (SFCG)	(WILPF)

برای اطلاع از لیست کامل مشاوران و سازمان‌های همکار مراجعه کنید به: [www.betterpeacetool.org](http://www.betterpeacetool.org)

## پیوست ۳

### منابع سودمند

### درباره مشارکت و صلح‌سازی زنان

رادیکا کوماراسوامی، پیشگیری از منازعه، دگرگون‌سازی عدالت، تامین صلح: پژوهش جهان‌شمول درباره اجرای قطعه‌نامه ۱۳۲۵ شورای امنیت سازمان ملل: نهاد زنان سازمان ملل، ۲۰۱۵، <http://wps.unwomen.org>.

ماری آ رایلی، آندریا آ سویلی‌آبهاین و تانیا پافنهولز، «تصور دوباره صلح‌سازی: نقش زنان در فرایندهای صلح»، موسسه بین‌المللی صلح، ۲۰۱۵. تانیا پافنهولز، آنتونیا پاتر پرنتمیس، کیت بوکانان، «بینش‌های تازه درباره کمیت و کیفیت شمول زنان در فرایندهای صلح»، گزارش خط‌مشی CCDP، ۲۰۱۵.

«مشارکت زنان در مذاکرات صلح: ارتباط‌های بین حضور و نفوذ»، نهاد زنان سازمان ملل، ۲۰۱۲. کریستین پل و کاترین ا رورک، «توافق نامه‌های صلح یا تکه‌های کاغذ؟»: تأثیر قطعه‌نامه ۱۳۲۵ سازمان ملل بر فرایندهای صلح و توافق نامه‌های آنها»، فصلنامه حقوق بین‌المللی و تطبیقی، ۲۰۱۰، دوره ۵۹، شماره ۴، صفحه‌های ۹۸۰-۹۹۱.

دزیره نیلسن، «پایه‌گذاری صلح: نقش آفرینان جامعه مدنی در توافقات صلح‌ساز»، تعامل‌های بین‌المللی، ۲۰۰۹، دوره ۳۸، شماره ۲، صفحه‌های ۲۶۶-۲۴۳.

صنم نراقی آندرلینی، «زنانی که صلح می‌سازند: چکار می‌کنند، چرا مهم است»، بلدر: نشر لین رینر، ۲۰۰۷.

### درباره زنان، برابری جنسیتی و انجمن‌های صلح

صدا و عاملیت: توانمندسازی زنان و دختران به منظور شکوفایی مشترک، بانک جهانی، ۲۰۱۴.

والری هُسن، بانی بالیف - اسپانویل، مری کاپریولی و چاد اف. اِمت، سسکس و صلح جهانی؛ نیویورک: انتشارات دانشگاه کلمبیا، ۲۰۱۲.

### موارد زیر نمونه‌هایی از سازمان‌هایی هستند که در زمینه مشارکت زنان تخصص و شبکه‌هایی از زنان صلح‌ساز دارند:

شبکه بین‌المللی اقدام جامعه مدنی (ICAN) ([icanpeacework.org](http://icanpeacework.org))

شبکه جهانی زنان صلح‌ساز (the Global Network of Women Peacebuilders) ([gnwp.org](http://gnwp.org))

موسسه امنیت فراگیر (the Institute for Inclusive Security) ([inclusivesecurity.org](http://inclusivesecurity.org))

برنامه زنان صلح‌ساز (the Women Peacemaker's Program) ([womenpeacemakersprogram.org](http://womenpeacemakersprogram.org))

زنان صلح (PeaceWomen) ([peacewomen.org](http://peacewomen.org))

## ارزیابی‌هایی درباره‌ی «ابزار صلح برتر»

«این ابزار بسیار مناسب است. همان چیزی است که سال‌هاست نیاز داشته‌ایم.»

سیلا الورتی، صلح‌ساز و بنیان‌گذار موسسه گروه تحقیق اکسفورد

«گزارش بسیار جالبی است... احتمالاً بهترین گزارشی است که تاکنون نوشته شده است.»

سفیر گاره آس، سفیر تروژ در ایالات متحده

«اثری عالی که از تحقیق عملی فراوان و حکمت بهره برده است.»

یوسف محمود، مشاور ارشد موسسه بین‌المللی صلح

«ابزار صلح برترکاری برجسته است... گنجینه‌ای از اطلاعات خوب، و راهنمایی قابل استفاده برای فعالان است... واقعاً بهترین راهنمای جامع در نوع خود است که برپایه شواهد گسترده از طیف جغرافیایی تنظیم شده است.»

سفیر دان استیتبرگ،

رئیس و مدیر عامل یادگیری جهانی و سفیر پیشین ایالات متحده در آنکولا

## چرا ما به ابزار صلح برتر نیاز داریم؟

«خطر حذف جامعه مدنی و زنان از فرایندهای صلح‌سازی این است که هیچ فرایند صلحی وجود نخواهد داشت.»

سناتور مبینا جعفر، سناتور کانادایی و فرستاده سابق کانادا به سودان

«ما باید بپرسیم که صلح را چطور می‌سازیم. گفت‌وگوها برای پایان دادن به جنگ، متفاوت از ضرورت‌های ممکن‌سازی صلح‌اند.»

روزا امیلیا سالامانکا مدیر اجرایی (شرکت پژوهش و اقدام اقتصادی و اجتماعی) CIASE، کلمبیا

**ICAN** International  
Civil Society  
Action  
Network  
For women's rights, peace and security



International Civil Society Action Network (ICAN)

شبکه بین‌المللی اقدام جامعه مدنی

1779 Massachusetts Ave, NW Suite 710  
Washington DC 20036 USA  
[www.icanpeacework.org](http://www.icanpeacework.org)